

جزوه آموزش تحلیل تکنیکال دوره مقدماتی

مدرس:

پشوتن مشهوری نژاد

Fx_Pashootan@yahoo.com
www.Forum.PtmTrader.com
TEL: 09395978511

تعریف تحلیل تکنیکال :

تحلیل تکنیکال عبارت از علم بررسی نمودار قیمت-زمان است.

تحلیل تکنیکال به معنی بررسی گذشته نمودار سهم ها ، و سپس پیش بینی آینده آنها ، و سرانجام تصمیم گیری در لحظه حال است.

تحلیل تکنیکال به معنی کشف و جستجوی مجموعه ای از الگوها ، اشکال هندسی ، فرمول ها و روابط ریاضی است به گونه ای که بتوان بر مبنای آنها رفتارهای مشخص و پیش بینی پذیری را از قیمت انتظار داشت.

تحلیل تکنیکال دو اصل اساسی دارد :

1) همه چیز در قیمت نهفته است. (یعنی کلیه اطلاعات مورد نیاز درون نمودار قیمت-زمان موجود است)

2) اصل استقرای ریاضی: یعنی هر رخدادی که قبلاً بارها و بارها اتفاق افتاده و عیناً تکرار شده است احتمال اینکه از این به بعد نیز کماکان رخ بدهد وجود خواهد داشت.

نکته : تمامی قوانین تحلیل تکنیکال همگی از نوع قوانین آمار و احتمالی هستند و هیچ قانون 0 یا 100 درصد در بازار وجود ندارد.

GAP

گپ (Gap) : به ناپیوستگی واقع بر روی نمودار قیمت گفته میشود که در اثر جهش ناگهانی قیمت رخ میدهد. گپ در واقع محدوده ای را مشخص میکند که هیچ معامله ای در آن انجام نشده باشد.

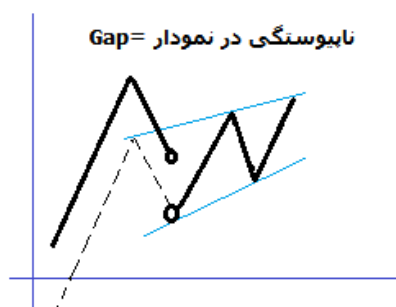
Dps: سود نقدی سهم است که در مجمع بین سهامداران تقسیم میشود.

Eps: سود سالیانه هر سهم است که توسط شرکت حداقل در چهارمقطع زمانی سه ماهه ، شش ماهه، نه ماهه و یکساله پیش بینی و به بازار اعلام میگردد.

نکته: اگر سهمی تعدیل مثبت یا منفی بدهد که مقدار آن بیشتر از 10 درصد باشد در اینصورت سازمان بورس ابتدا نماد آنرا میبندد ، سپس نماد باز میگردد تا قیمت جدید آن توسط خریداران و فروشندگان بر مبنای مکانیسم حراج تعیین گردد.

نکته: گپ در بازار بورس ایران به سه دلیل ایجاد میگردد: 1- افزایش سرمایه 2- تقسیم سود نقدی در مجمع 3- تعدیل مثبت یا منفی بیش از ده درصد. در دو حالت اول مقدار کل پول سهامداران عملاً تغییری نمیکند، اما در حالت سوم (تعدیل مثبت و منفی) مقدار سرمایه هریک از سهامداران عملاً دچار تغییر مثبت یا منفی میگردد.

GAP
گپ



علل ایجاد گپ در بازار بورس ایران ،

- افزایش سرمایه
- تقسیم سود در مجمع

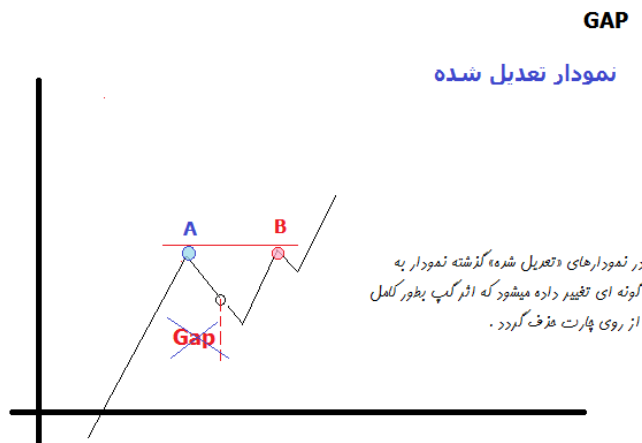
- تعدیل مثبت یا منفی بیش از ده درصد

نمودار تعدیل شده ،

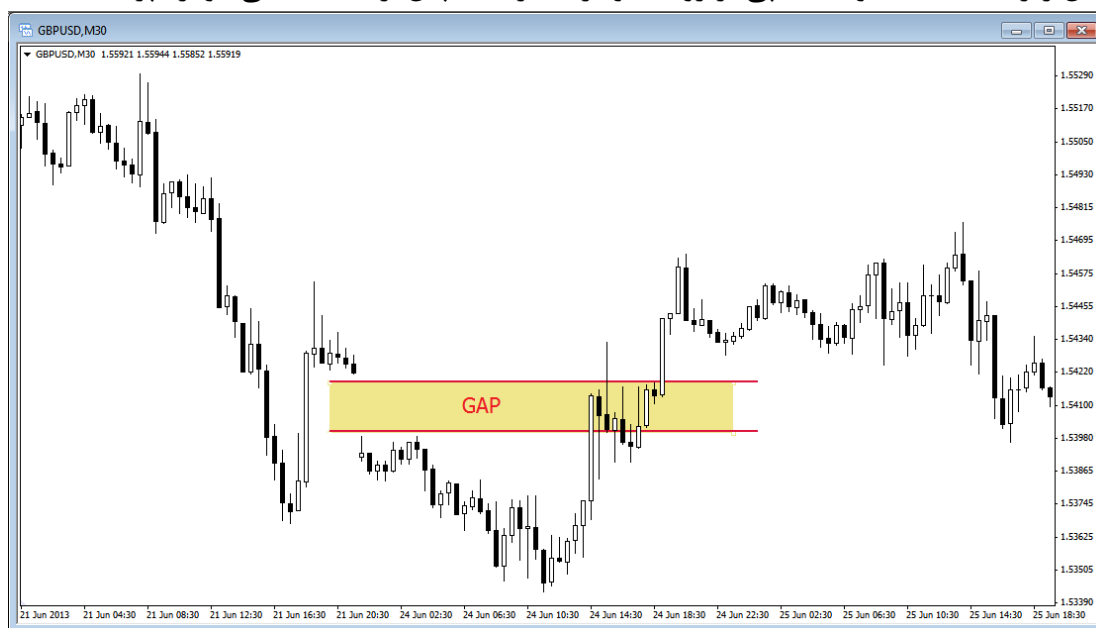
گذشته نمودار به گونه ای تغییر داده شود که اثر گپ بطور کامل خنثی گردد

نمودار تعدیل شده :

یعنی حذف گپ های ناشی از افزایش سرمایه و تقسیم سود نقدی ، بگونه ای که این گپ ها تغییری در نمودار ایجاد نکنند. در شکل زیر پول سهامداران در نقطه A بعلاوه پولی که در مجمع گرفته اند برابر با نقطه B میشود.



قاعده تجربی : گپ ها معمولا پر میشوند! هنگامی که قیمت بطور طبیعی گپ میزند یک فضای خالی بر روی چارت ایجاد میشود که این فضا انگار نوعی از نیروی جاذبه را به قیمت وارد میکند که موجب بازگشت قیمت و پر شدن گپ میشود. مثلا در شکل زیر مشاهده میشود که گپی بر روی نمودار ظاهر شده پس از مدت اندکی دوباره پر شده است.



نکات مربوط به گپ :

در بورس ایران معمولا نمودار 1/3 تا 1/2 گپ را پر میکند و ممکن است بطور کامل پر نشوند. اما در بورس بین الملل معمولا گپ ها بطور کامل پر میشوند.

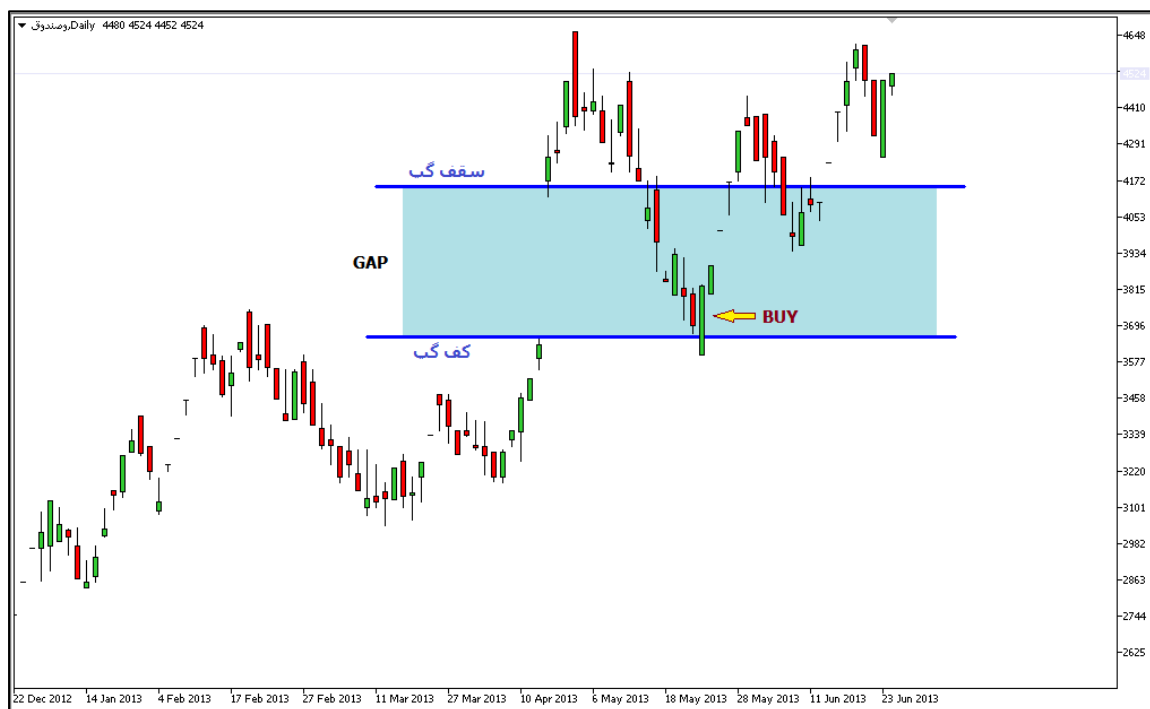
سقف و کف گپ معمولا نقش سطوح حمایت و مقاومت را ایفا می کنند.

گپ در بازار مشابه عملکرد «خلاء» در طبیعت را دارد. یعنی همانطور که طبیعت از «خلاء» بیزار است ، بازار نیز از «گپ» بیزار است و مایل است با پر کردن آن ، فضای خالی ایجاد شده توسط گپ را از بین ببرد.

به گپ هایی که در انتهای یک روند رخ میدهند و موجب بازگشت قیمت و معکوس شدن جهت روند میگردد اصطلاحا **گپ خستگی** یا **Exhausting Gap** گفته میشود.

مثال - گپ بر روی نمودار سهام و صندوق:

در نمودار زیر میتوانستیم به محض باز شدن سهم پس از تعدیل مثبت اقدام به فروش نماییم و سپس منتظر بمانیم تا پس از حدود سه هفته مجددا در حوالی کف گپ و در قیمتهای به مراتب ارزانتر اقدام به خرید مجدد سهم نماییم.



NAV: به ارزش خالص دارایی های یک شرکت اصطلاحاً **ناو** یا **Nav** میگویند. **ناو** صرفاً برای شرکتهایی تعریف میشود که از نوع شرکتهای سرمایه گذاری باشند یعنی مانند بانکها، موسسات مالی، صندوق های سرمایه گذاری، واسطه گری های مالی، هلدینگ ها و ... در بورس ایران معمولاً نماد چنین شرکتهایی با حرف «و» شروع میشود مانند وغدیر، و صندوق، ومعادن، وپترو، وامید، وغیره ...

نکته: با قیمت یک سهم در بورس ایران معمولاً حدود 70 الی 80 درصد ناو آن میباشد. بنابراین با در اختیار داشتن ناو یک سهم و ضرب آن در 0/8 یا 0/7 میتوان تارگت احتمالی قیمت سهم را محاسبه کرد.

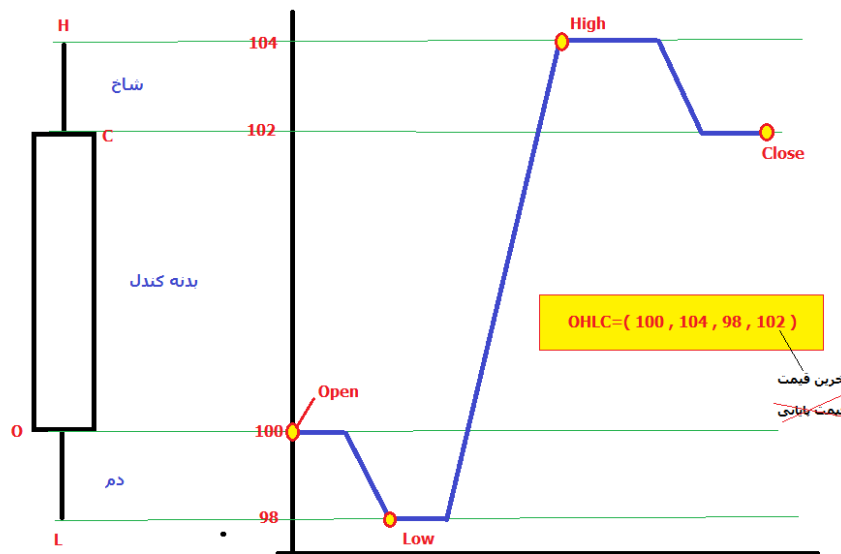
EPS: سود سالانه سهم را میگویند که مخصوص شرکتهای تولیدی، خدماتی و میباشد. با داشتن ای پی اس یک سهم و ضرب آن در p/e گروه میتوان قیمت سهم را محاسبه کرد.

نکته: برای محاسبه **Nav** یک سهم باید علم تحلیل فاندامنتال را آموخت. هرچند که میتوان از طریق عضویت در برخی گروه ها و سایتهای تخصصی ویا همچنین از طریق نرم افزارهایی مانند ره آوردنوبن نیز به ناو سهم های مختلف دسترسی داشت.

نکته: به عنوان یک قاعده تجربی در بورس ایران میتوان گفت که معمولاً اگر قیمت یک سهم کمتر از 70 الی 80 درصد ناو آن باشد (یعنی نسبت p/nav کمتر از 0.7 الی 0.8 باشد) در آن صورت احتمال رشد سهم وجود دارد.

الگوهای کندل استیک :

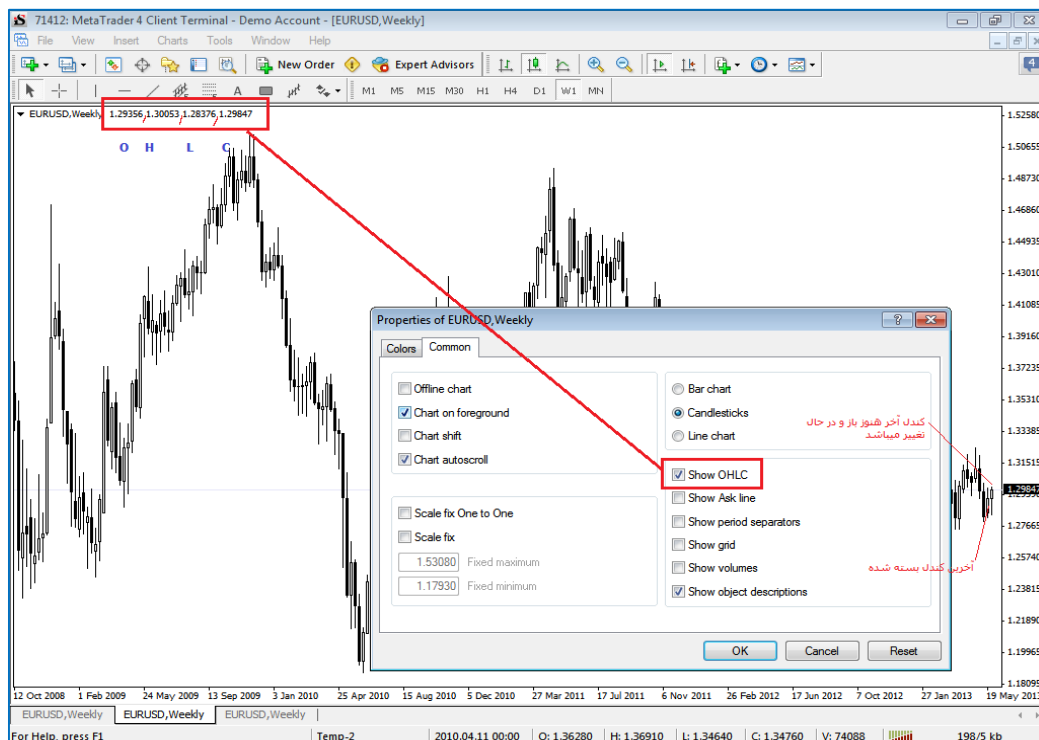
تعریف کندل استیک : تصویر زیر یک کندل استیک یا شمع ژاپنی را نشان میدهد:



هر کندل از چهار سطح قیمت تشکیل میگردد که این چهار سطح عبارت از (O,H,L,C) میباشند و به ترتیب اشاره به نقاط باز شدن ، بالاترین ، پایین ترین ، و آخرین قیمت در طی یک کندل دارند.

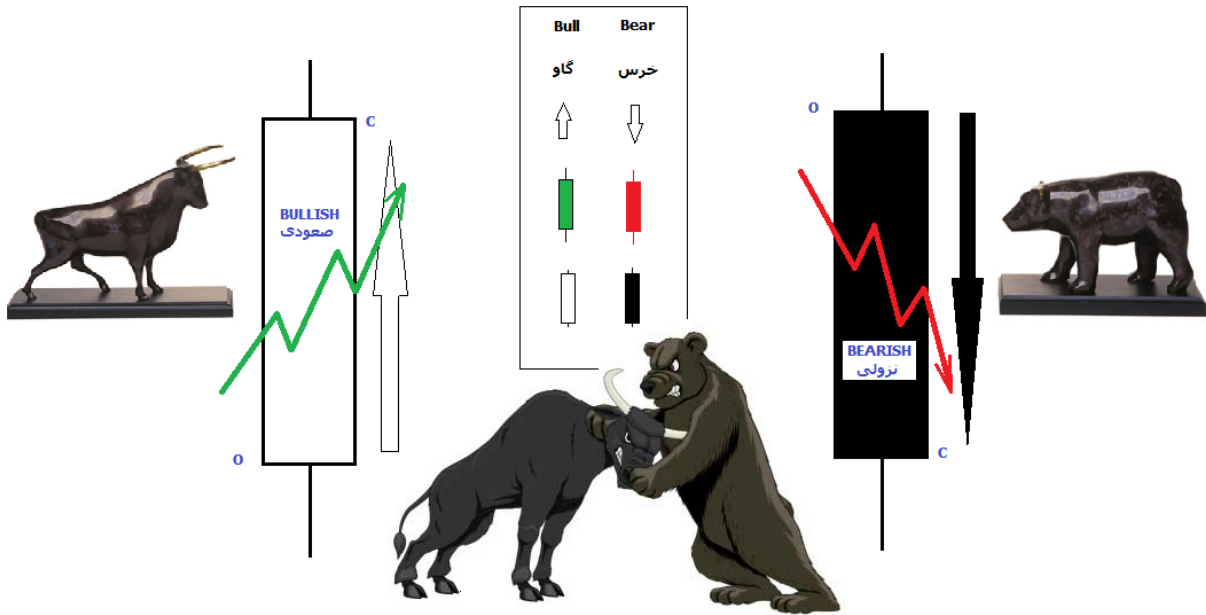
نکته : توجه کنید که در بورس ایران **قیمت پایانی** با قیمت **آخرین معامله** متفاوت میباشد. آخرین معامله برابر با همان نقطه Close است درحالیکه قیمت پایانی صرفا متوسط وزنی معاملات است که درانتهای روز توسط سازمان بورس محاسبه میگردد تا از طریق آن نقطه صفر درصد فردا ، و همچنین محدوده نوسانات مجاز قیمت تعیین بشوند. به عبارت دیگر قیمت پایانی درواقع نقطه صفر درصد فردا را نشان می دهد.

در نرم افزارهای مفیدتریدر و متاتریدر برای نمایش OHLC در گوشه یک نمودار کافیست مطابق تصویر زیر عمل نماییم :



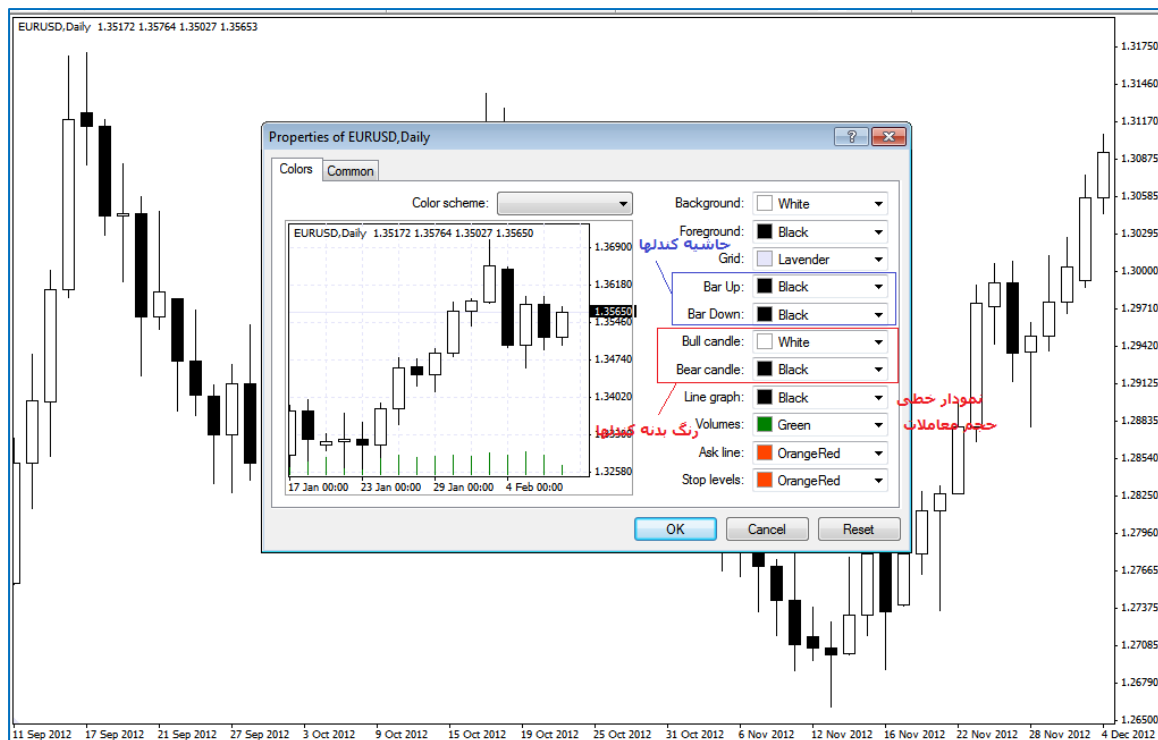
نحوه نمایش کندلها :

کندلهای صعودی را با رنگ سفید یا سبز و کندلهای نزولی را با رنگ سیاه یا قرمز نمایش میدهیم:



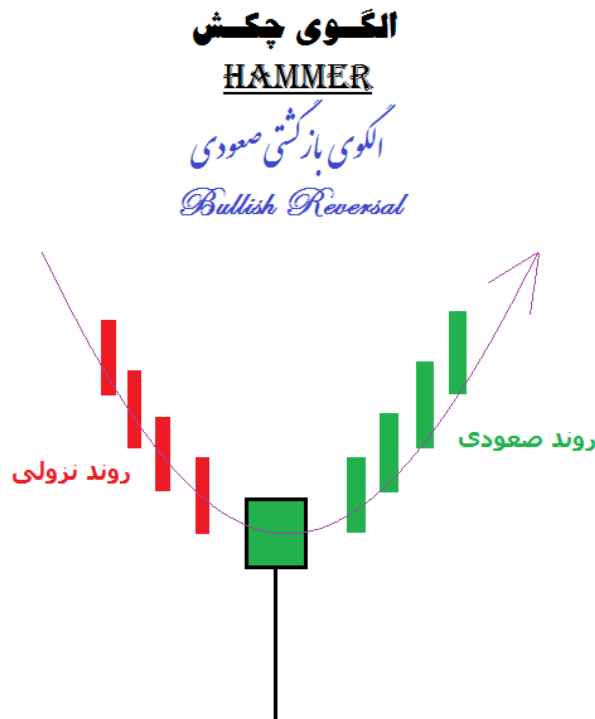
به بازارهای صعودی که قیمت دایما تمایل به گرانتتر شدن دارد اصطلاحا **بازار صعودی** یا **Bullish** (گاو!) میگوییم و به بازارهای نزولی که قیمت تمایل به ارزتر شدن دارد اصطلاحا **بازار نزولی** یا **Bearish** (خرسی!) میگوییم.

برای تغییر رنگ کندل ها در نرم افزار مفیدتریدر میتوانید مانند شکل زیر عمل کنید :



الگوی چکش (HAMMER) :

این الگو یک الگوی بازگشتی صعودی است و میتواند موجب تغییر جهت روند از نزولی به صعودی بشود.

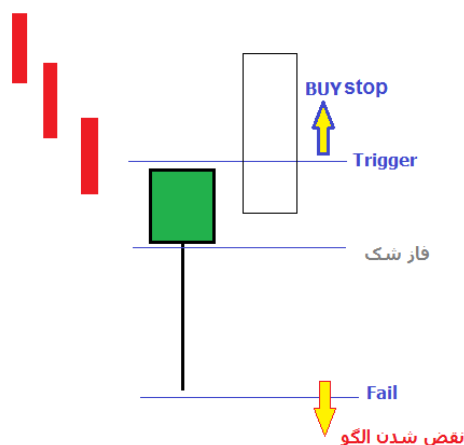


الگوی چکش از یک بدنه کوچک و مربعی شکل و یک دم بلند و کشیده تشکیل شده است که اندازه دم حداقل 2 الی 3 برابر اندازه بدنه میباشد. این الگو یا شاخ ندارد یا اگر داشته باشد اندازه آن بسیار کوچک و ناچیز خواهد بود. (نداشتن شاخ به معنی رشد قیمت تا آخرین لحظات قبل از بسته شدن کندل میباشد)

رنگ بدنه الگوی *Hammer* می تواند هم سبز و هم قرمز باشد اگرچه صعودی بودن آن مسلماً اعتبار الگو را افزایش خواهد داد. این الگو زمانی ایجاد می شود که قیمت در انتهای یک روند نزولی با یک سطح حمایت مستحکم برخورد نماید.

اگر قیمت در کندل بعدی ، از سقف چکش بالاتر برود میتوان یک سفارش خرید انجام داد:

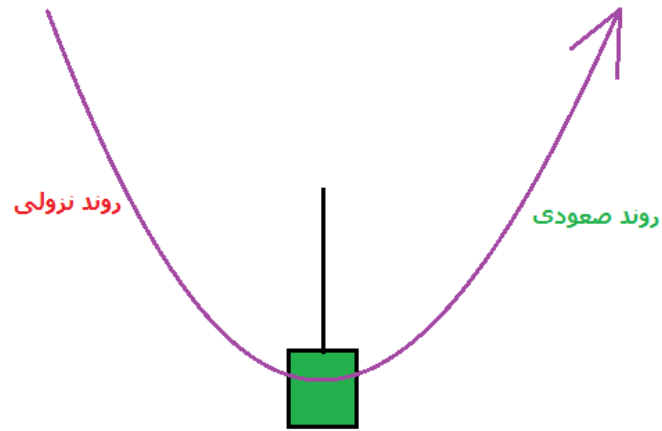
نقاط ماشه چکانی
و Fail شدن الگوی Hammer



در اکثر هشدارهای درست بعد از چکش ، کندل بعدی از بدنه چکش پایین تر نمی رود.

الگوی چکش وارونه INVERTED HAMMER

الگوی بازگشتی صعودی
Bullish Reversal

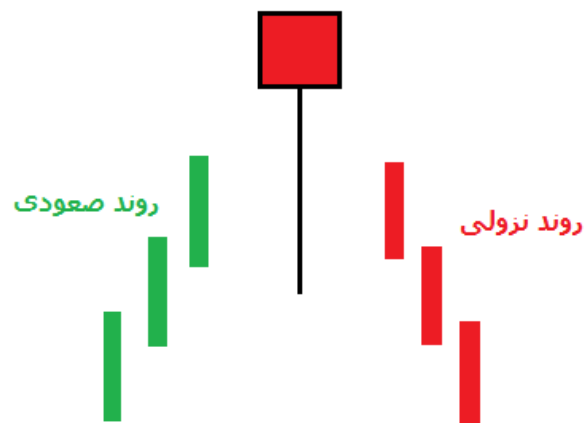


الگوی مرد آویخته (HANGING MAN) :

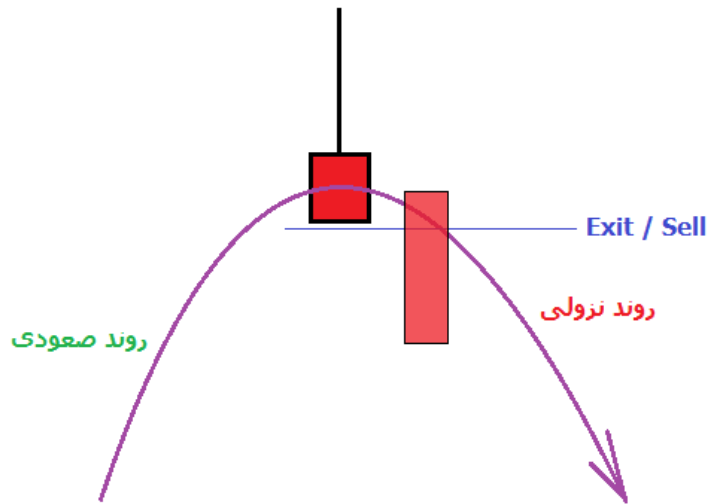
این الگو یک الگوی بازگشتی نزولی است که در انتهای یک روند صعودی ظاهر می شود و روند را نزولی میکند:

الگوی مرد به دار آویخته HANGING MAN

الگوی بازگشتی نزولی
Bearish Reversal

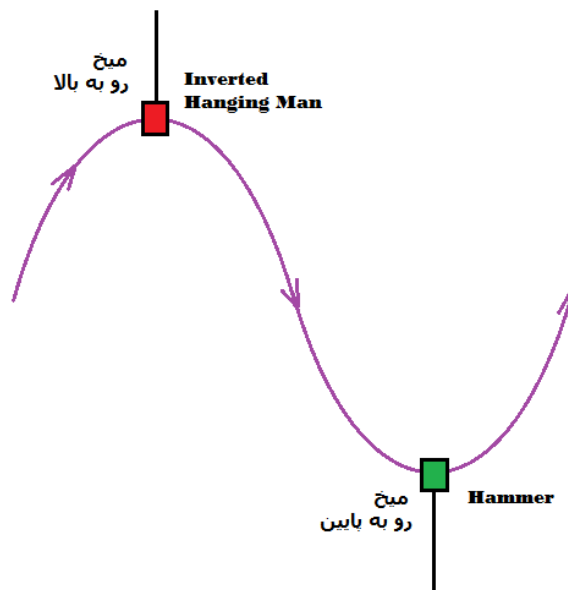


انگوی مرد به دار آویخته وارونه

INVERTED HANGING MANانگوی بازگشتی نزولی
Bearish Reversal

انگوی مرد به دار آویخته وارونه نیز یک انگوی بازگشتی نزولی است. اگر رنگ بدنه آن قرمز باشد اعتبار آن بیشتر خواهد شد.

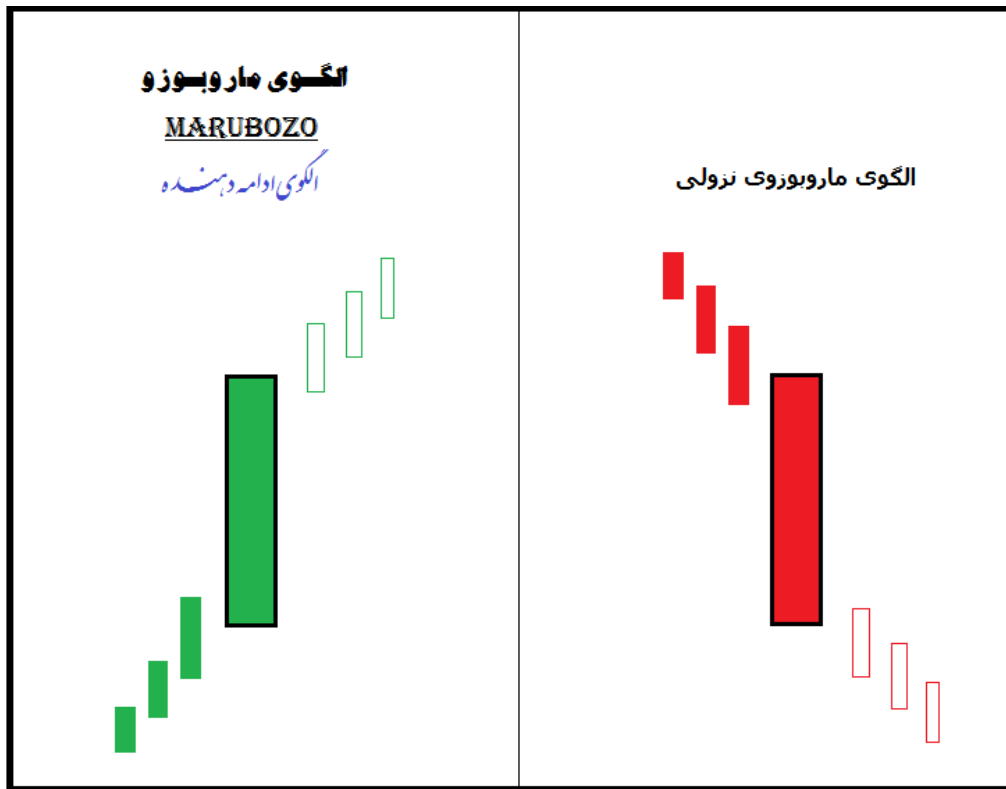
جمع بندی : از بین انواع الگوهای که گفتیم معمولاً الگوهای *Inverted Hangingman* و *Hammer* از اعتبار بیشتری برخوردارند و میزان کاربرد آنها نیز بیشتر است. در شکل زیر الگوهای *چکش* و *مرد آویخته وارونه* را در کنار یکدیگر مشاهده میکنید. میخ نوک تیز رو به بالا اغلب در قله ها و میخ نوک تیز رو به پایین اغلب در انتهای دره ها مشاهده میگردد:



الگوی مارابوزو (MARUBOZO) :

الگوی مارابوزو یک کندل قدرتمند با بدنه بلند و کشیده است. این الگو یا اصلا شاخ و دم ندارد یا اگر داشته باشد اندازه آنها بسیار کوچک و قابل اغماض خواهد بود. الگوی مارابوزوی صعودی دارای رنگ بدنه سبز میباشد. مشاهده مارابوزوی صعودی در میانه یک روند صعودی نشاندهنده میزان قدرت بالای روند صعودی بوده و فزونی قدرت خریداران را در مقابل فروشندگان نشان میدهد. هروقت یک الگوی مارابوزو را در میانه یک روند صعودی مشاهده کنیم میتوانیم احتمال بدهیم که روند صعودی جاری کماکان برای کندلهای بعدی نیز ادامه پیدا کند.

الگوی مارابوزو یک الگوی ادامه دهنده است و از آن برای پیش بینی «ادامه دار بودن» روند جاری استفاده میکنیم.



نکته: در صورتیکه دو الی سه کندل قبل از مارابوزو دارای ترتیب پلکانی صعودی بوده و اندازه طول آنها نیز در حال افزایش باشد، میزان اعتبار مارابوزو به مراتب افزایش خواهد یافت. به این حالت خاص یعنی اگر سه کندل مارابوزو در مجاورت یکدیگر قرار داشته و اولاً کف آنها یک به یک بالاتر بیاید و دوماً اندازه طولشان نیز مرتباً بزرگتر بشود اصطلاحاً سه سرباز سپیدپوش یا سه ابرسفید نیز میگوییم که یک الگوی صعودی بسیار قدرتمند است.

نکته: متأسفانه بدلیل محدودیت نوسانات روزانه قیمت در بورس ایران اغلب الگوهای کندل استیک در تایم فریم روزانه قابل مشاهده نیستند. بنابراین برای مشاهده الگوهای کندل استیک در بورس ایران میتوانید از تایم فریم های هفتگی یا ماهیانه و یا حتی بعضاً ساعتی و 30 دقیقه ای و غیره استفاده کنید.

نحوه معامله گری بر روی الگوی مارابوزو:

هنگام مشاهده الگوی مارابوزو نیز نباید بلافاصله به بازار وارد بشویم بلکه باید صبر کنیم تا ابتدا قیمت در کندل بعدی از سقف مارابوزو بالاتر برود و سپس اندکی بالاتر از سقف مارابوزو میتوانیم اقدام به خرید نماییم.

در مارابوزوهای قدرتمند معمولاً کندل بعدی حتی به نقطه میانی بدنه مارابوزو نیز نمی رسد. از این نکته میتوان در بازار فارکس برای انتخاب **حد ضرر** استفاده کرد. یعنی میتوان نقطه 50٪ مارابوزو را بعنوان **Stop Loss** مورد استفاده قرار داد.

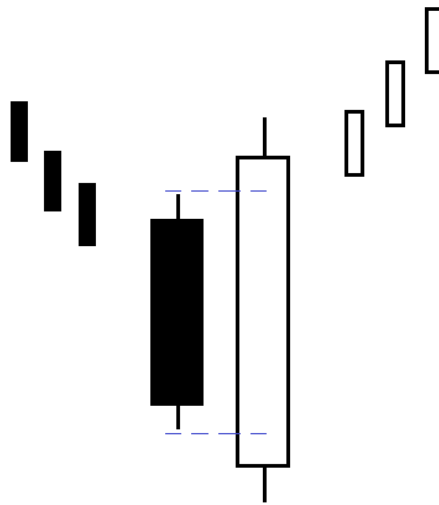
الگوی ابر سفید پوشاننده (BULLISH ENGULFING) :

این الگو یک الگوی بازگشتی صعودی است یعنی در انتهای روند نزولی ظاهر شده و باعث صعودی شدن بازار می گردد. این الگو از دو کندل متوالی و مجاور بهم تشکیل شده که کندل اول نزولی با بدنه مشکی و کندل دوم صعودی و سفید است. اندازه کندل دوم به مراتب بزرگتر از کندل اول است به گونه ای که کل بدنه و شاخ و دم کندل اول در درون کندل دوم جای میگیرد.

بهتر است شاخ و دم کندل اول از بدنه کندل دوم فراتر نرود. همچنین وجود گپ بین نقطه Close کندل نخست با نقطه Open کندل دوم حایز اهمیت میباشد:

الگوی ابر سفید پوشاننده**BULLISH ENGULFING**

الگوی بازگشتی صعودی

Bullish Reversal**الگوی ابر سیاه پوشاننده (BEARISH ENGULFING) :**

یک الگوی بازگشتی نزولی است که در انتهای روند صعودی تشکیل شده و روند را نزولی می کند:

الگوی ابر سیاه پوشاننده**BEARISH ENGULFING**

الگوی بازگشتی نزولی

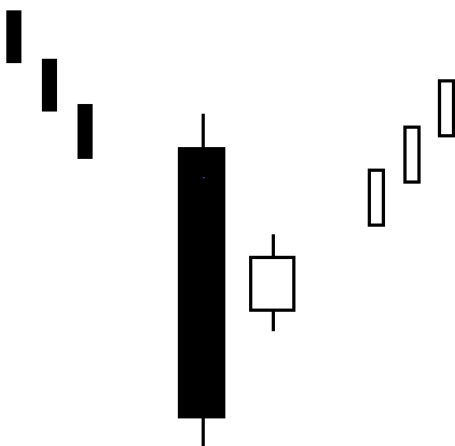
Bearish Reversal

الگوی هارامی (HARAMI) :

این الگو از دو کندل مجاور تشکیل شده که کندل اول نزولی و بلند و کشیده است ولی کندل دوم کوچک و مربعی شکل بوده و بطور کامل در دل کندل اول قرار میگیرد. ابعاد کندل دوم باید به مراتب کوچکتر از کندل اول باشد (مانند نوزاد در دل مادر) و تقریباً در میانه کندل اول قرار بگیرد. شاخ و دم کندل دوم نباید از بدنه کندل اول خارج بشود.

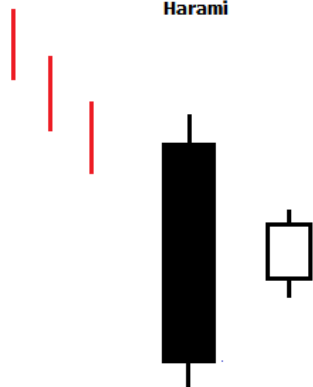
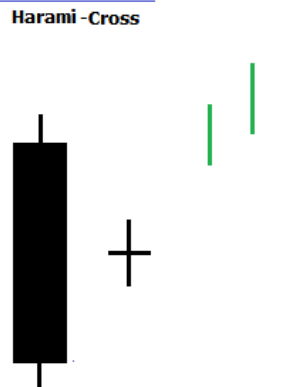
الگوی هارامی صعودی**BULLISH HARAMI**

الگوی بازگشت صعودی

Bullish Reversal

اینبار نیز وجود گپ بین دو کندل حائز اهمیت می باشد.

Harami Cross: در این حالت خاص ، کندل دوم بسیار کوچک بوده و نقاط باز شدن و بسته شدن آن بر روی یکدیگر منطبق میباشد بنابراین حالت یک علامت بعلاوه (Cross) پیدا میکند:

الگوی هارامی
Harami**الگوی هارامی-کراس**
Harami-Cross

برخی مفاهیم پایه در بازار بورس بین الملل:

پیپ (pip) : کمترین واحد تغییرات قیمت در بورس بین الملل است. هر یک پیپ برای زوج ارزهایی مانند یورو/دلار، پوند/دلار و غیره بصورت چهارمین رقم اعشار تعریف میگردد. به عبارت دیگر هر یک پیپ معادل 0.0001 دلار میگردد. در مورد زوج ارزهایی مانند ین ژاپن/دلار که نمودار آنها بصورت دو رقمی و یا سه رقمی تعریف میگردد هر یک پیپ برابر با دومین رقم اعشار تعریف میگردد.

پوینت (point) : بعنوان یک دهم پیپ تعریف میگردد. به عبارت بهتر هر Point مساوی با 0.1 پیپ می باشد.

نکته : تمام نمودارهایی که مشاهده میکنید در واقع صرفاً قیمت Bid را نمایش میدهند و مخصوص معاملات sell ترسیم شده اند. برای معاملات buy باید خودتان به اندازه spread بالاتر از نمودار اصلی در نظر بگیرید.

حد سود (Take Profit) : عبارت است از حداکثر مقدار سود مجاز در یک معامله. معمولاً حدسود را به اختصار با عبارت TP نمایش میدهند.

حد ضرر (Stop Loss) : عبارت است از حداکثر مقدار ضرر مجاز در یک معامله. معمولاً حدضرر را به اختصار با عبارت SL نمایش میدهند.

نکته : حدسود و حدزیان در واقع عبارتند از حداکثر مقدار سود یا زیانی است که معامله گر به کارگزار اعلام میکند که اگر سطح قیمت به آن نقطه رسید کارگزار بتواند بطور اتوماتیک معامله را ببندد تا میزان سود یا زیان واقعی معامله گر از حداکثر مقدار در نظر گرفته شده توسط او بیشتر نشود.

نکته: برای تعریف حد سود و ضرر باید قیمت مورد نظر حداقل به اندازه 3 الی 4 پیپ (معادل 30 الی 40 پوینت) از آخرین قیمت بازار (Last Price) فاصله داشته باشد وگرنه توسط نرم افزار خطا گرفته میشود.

قفل کردن معامله (Hedge) : به معنی انجام دو معامله معکوس بطور همزمان است به گونه ای که میزان سود و زیان آنها از این به بعد همواره یکدیگر را بطور کامل خنثی نماید. معمولاً معامله گران از هج کردن در مواقعی استفاده میکنند که بازار به شرایط بحرانی و بی ثبات وارد میشود و معامله گر با قفل کردن معامله سعی میکند تا مشخص شدن شرایط بازار، تصمیم گیری را به تعویق بیندازد. هج کردن یک معامله هرگز بطور خودبخود باعث کسب سود و یا از بین رفتن ضرر نخواهد شد و به نوآموزان توصیه میشود از هج کردن معاملات خودداری نمایند.

روش تشخیص روند با استفاده از سیستم معاملاتی PTM :

ابتدا باید دو عدد میانگین متحرک (moving average) با رنگهای قرمز و آبی و با تنظیمات زیر بر روی نمودار الصاق کنیم :

Method= Exponential
Apply to= Typical Price (HLC/3)

پریود هر یک از مووینگهای قرمز و آبی را بصورت زیر انتخاب میکنیم:

بازار فارکس	بورس ایران	پریود مووینگها
60	50	مووینگ آبی
15	20	مووینگ قرمز

شروط اساسی PTM جهت تشخیص روند:

اگر سه شرط زیر بطور همزمان وجود داشته باشند به معنی صعودی بودن روند خواهد بود:

- 1) شیب مووینگ آبی بصورت صعودی باشد.
- 2) شیب مووینگ قرمز بالاتر از مووینگ آبی باشد.
- 3) قیمت بالاتر از مووینگ قرمز باشد.

نکته: شیب مووینگ آبی باید حدودا از 30 درجه بیشتر باشد.

نکته: هنگامیکه مووینگهای آبی و قرمز در حال دور شدن از یکدیگر هستند یعنی قدرت بازار در حال افزایش است و بنابراین زمان مناسب تری برای ورود به بازار خواهد بود.

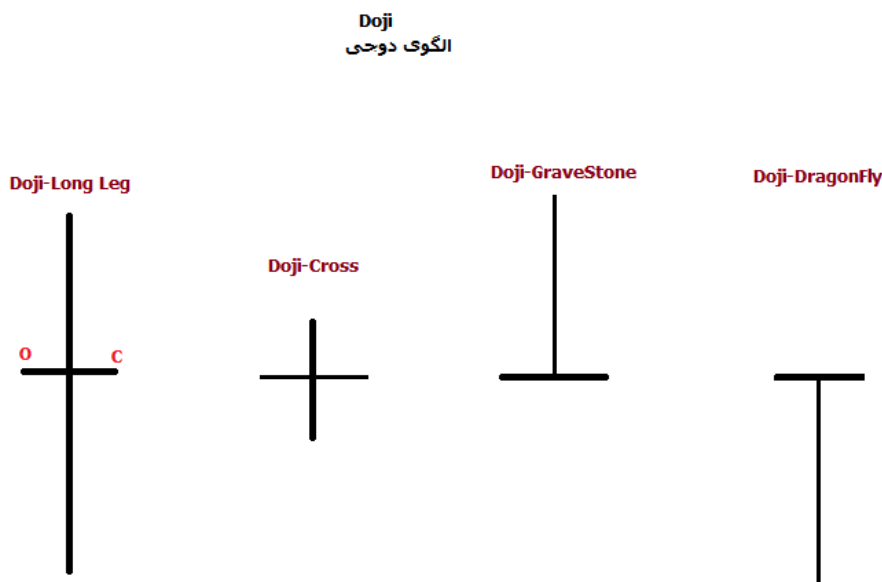
نکته: اگر عکس سه شرط فوق برقرار باشد یعنی روند نزولی است. در بازارهای دو طرفه میتوان در روندهای نزولی اقدام به معامله فروش از نوع Sell نمود و از نزول قیمت در جهت کسب سود استفاده کرد.

نکته: اگر یک معامله خرید انجام داده اید و اکنون در سود قرار دارید می توانید از مووینگ قرمز بعنوان حد ضرر (نقطه مناسب برای خروج از سود) استفاده کنید.

نکته: اگر مووینگ آبی شکسته شود به معنی آن است که روند صعودی کلا به پایان رسیده و حتی احتمال معکوس شدن آن وجود دارد. بنابراین پس از شکسته شدن مووینگ آبی دیگر به هیچ عنوان اجازه حضور در بازار را نداریم.

الگوی دوجی (Doji) :

هر کندل که نقاط open و close آن بر روی همدیگر منطبق باشد را اصطلاحاً **دوجی (Doji)** می نامند. معروفترین نوع الگوی دوجی عبارت از **دوجی لنگ داراز** یا **Doji Long Leg** است. این دوجی از یک شاخ و دم بلند و کشیده و تقریباً هم اندازه تشکیل شده است.



الگوی دوجی هنگامی در بازار ظاهر میگردد که در یک بازار **Range** و نوسانی حضور داشته باشیم. بازار **Range** به بازاری میگوییم که هیچ جهت و روند مشخصی در آن وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر قیمت صرفاً بصورت افقی و در یک محدوده مشخص به نوسان خود ادامه میدهد. بازاری که دارای جهت و روند مشخصی باشد را اصطلاحاً بازار **روندار** یا **Trend** میگوییم. بازارهای **ترند** میتوانند صعودی یا نزولی باشند.

در بازار **Range** قیمت حول محور تقریباً افقی نوسان می کند. محدوده نوسانات قیمت بین سقف و کف بازار **Range** قرار خواهند داشت. دو انتهای الگوی دوجی میتواند سقف و کف بازار **رنج** را نمایش بدهد. تمامی الگوهای دوجی، از هر نوعی که باشند، نشان دهنده وضعیت **Range** و راکد بازار هستند. بعد از دیدن الگوی دوجی معمولاً انتظار داریم قیمت حداقل برای چند کندل بعدی نیز به نوسان خود در همین محدوده ادامه بدهد.

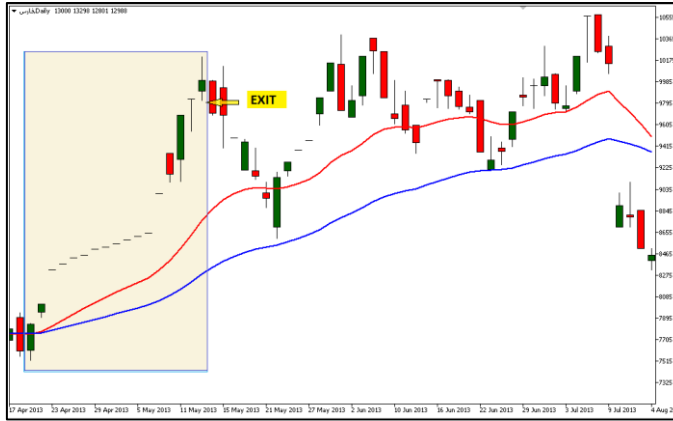
توجه : در بورس ایران هنگامی که یک سهم برای چند روز متوالی دارای صف خرید میشود کندل ها در تایم فریم روزانه حالت دوجی پلکانی پیدا می کنند، دقت کنید که نباید این حالت را با الگوی دوجی که بصورت کلاسیک به منزله بازار رنج و راکد است اشتباه بگیرید!

ترتیب پلکانی صعودی : به حالتی میگوییم که کف هر کندل به اندازه یک پله بالاتر از کف کندل قبل از خودش قرار بگیرد. (منظور از کف کندل انتهای دم یا درواقع پایینترین نقطه کندل است)

کاربرد اول: تشخیص شرایط مطلوب برای سودآوری (به شرط وجود همزمان شروط اصلی PTM)



کاربرد دوم: خروج در عرضه های اولیه:



کاربرد سوم: عدم ورود در روندهای نزولی:



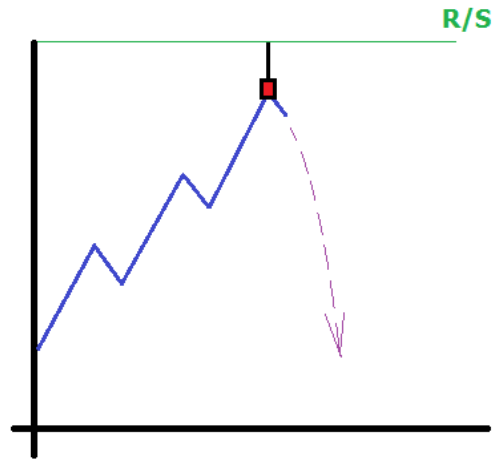
کاربرد چهارم: انتخاب نقطه خرید:



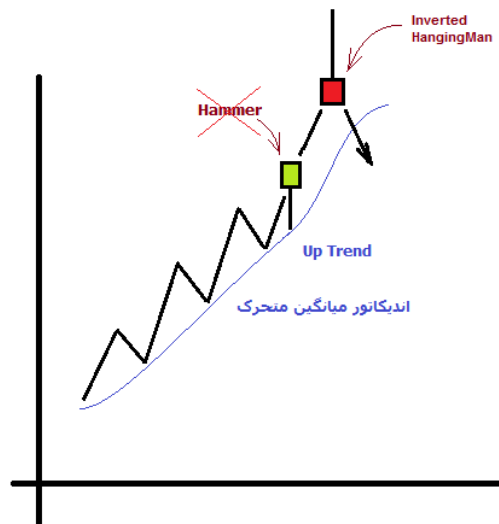
نکته: ترتیب پلکانی نزولی براساس سقف کندلها تعریف میشود. یعنی سقف هرکندل به اندازه یک پله پایینتر از سقف کندل قبلی قرار داشته باشد.

نکته: آن دسته از الگوهای بازگشتی کندل استیک که در مجاورت یک سطح حمایت یا مقاومت تشکیل میگردند از اعتبار به مراتب بیشتری برخوردارند.

Support/Resistance



نکته: در بین الگوهای کندل استیک صرفاً آنهایی معتبر هستند که با روند جاری در بازار همخوانی داشته باشند. برای تشخیص روند میتوان از یک اندیکاتور کمکی (مانند میانگین متحرک) استفاده کرد.

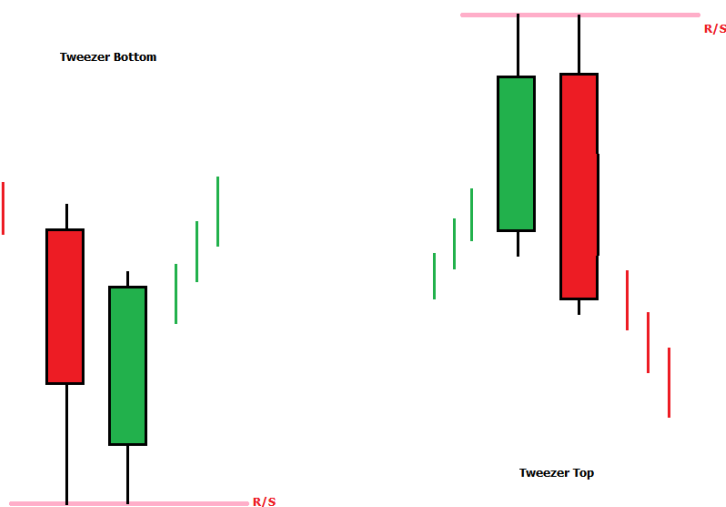


الگوهای کف دوقلو (Tweezer Bottom) و سقف دوقلو (Tweezer Top) :

الگوی کف دوقلو (*Tweezer Bottom*) یک الگوی بازگشتی صعودی است یعنی در انتهای روند نزولی تشکیل میشود و میتواند باعث صعودی شدن روند بشود. این الگو از دو کندل مجاور و متوالی تشکیل شده که کندل اول نزولی و کندل دوم صعودی است. نقطه انتهای دم هر دو کندل کاملاً بصورت همسطح بایکدیگر قرار گرفته است.

معمولاً هرچه قدر اندازه دم کندلها بلندتر و کشیده تر باشد میزان اعتبار الگو نیز بیشتر خواهد شد. این الگو زمانی ظاهر میگردد که قیمت در انتهای یک روند نزولی با یک سطح حمایت مستحکم برخورد نماید، که در واقع دم کندلها نشانگر همین سطح حمایت میباشد.

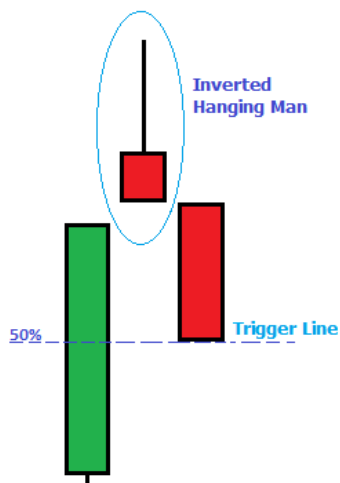
الگوی سقف دوقلو (*Tweezer Top*) یک الگوی بازگشتی نزولی است. این الگو برعکس الگوی قبلی است یعنی در انتهای روند صعودی تشکیل میشود و باعث نزول قیمت میگردد. در الگوی سقف دوقلو باید نقطه انتهای شاخ کندلها بایکدیگر کاملاً همسطح بوده و در قیمت یکسانی قرار داشته باشند.



الگوی شهاب سنگ (Shooting Star) :

یک الگوی سه کندلی و از نوع بازگشتی نزولی است یعنی در انتهای روند صعودی ظاهر شده و روند را نزولی میکند. کندل اول یک کندل صعودی بلند و کشیده، کندل دوم یک مردآویخته وارونه، و کندل سوم یک کندل نزولی است که حداقل تا نقطه 50 درصد کندل اول نزول کرده باشد.

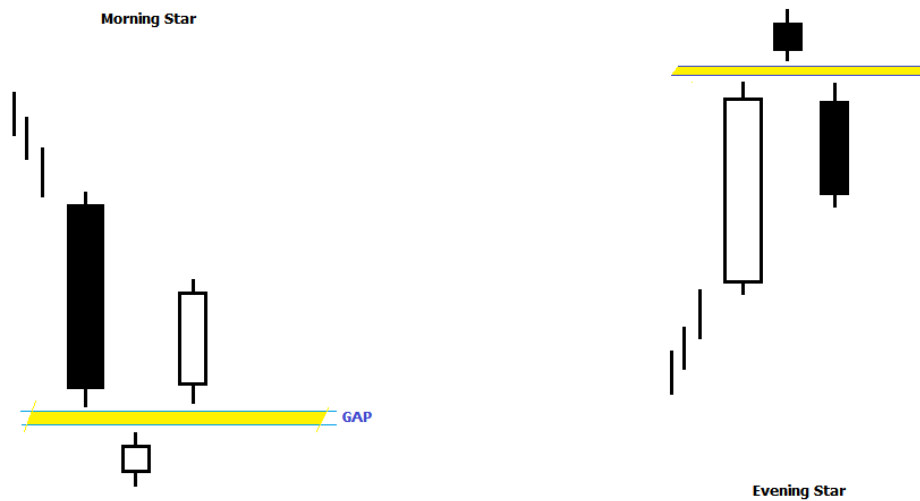
الگوی شوتینگ استار **SHOOTING STAR**



اینبار نیز وجود گپ بین کندلهای اول و دوم اعتبار الگو را افزایش میدهد.

الگوهای ستاره صبحگاهی (Morning Star) و ستاره شامگاهی (Evening Star) :

ستاره صبحگاهی یک الگوی سه کندلی از نوع بازگشتی صعودی است. در این الگو کندل میانی یک کندل کوچک و مربعی شکل است که مانند یک جزیره دور افتاده نسبت به کندلهای چپ و راست تشکیل میگردد. وجود گپ بین کندلهای طرفین با کندل میانی حایز اهمیت میباشد:



الگوی ستاره شامگاهی برعکس الگوی ستاره صبحگاهی است. یعنی یک الگوی بازگشتی نزولی است که در انتهای روند صعودی تشکیل میگردد. رنگ کندل میانی تاثیری در تشکیل الگوهای ستاره صبحگاهی و شامگاهی ندارد.

جمع بندی الگوهای کندل استیک

سه کندلی	دو کندلی	تک کندلی	
Morning Star Shooting Star 	Bullish Engulfing Bullish Harami 	Hammer Inverted Hanging Man 	الگوهای بازگشتی <i>Reversal</i>
Three White Soldiers 		Marubozu 	الگوهای ادامه دهنده <i>Continual</i>

الگوها و پترنهای تکنیکال :

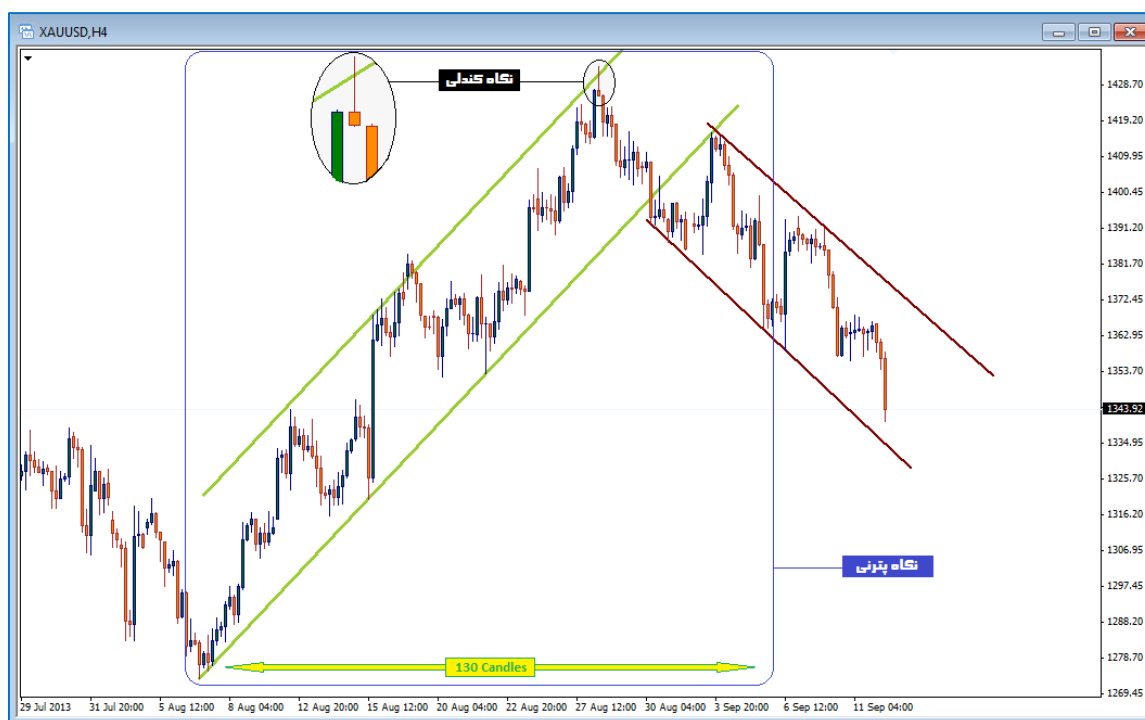
الگوهای کندل استیک دیدگاه نسبتاً قدیمی است که در بازارهای پیچیده و مدرن امروزی کارایی چندانی ندارد. مهمترین نقطه ضعف الگوهای کندل استیک این است که ما سعی میکنیم صرفاً بر مبنای یک الی سه کندل پایانی یک نمودار اقدام به پیش بینی آینده بازار نماییم و در واقع تاثیر تمامی کندلهای قبلی را کاملاً بی اهمیت می پنداریم.

از طرفی بازار های امروزی عموماً بازارها 24 ساعته و آنلاین هستند که نتیجتاً زمان باز شدن و بسته شدن کندلها بویژه در تایم فریم روزانه دیگر مانند گذشته در مورد آنها چندان معنای خاص و قابل اعتنائی پیدا نمیکند.

همچنین نقطه ضعف دیگر نگاه کندل استیک این است که در میان انبوهی از کندلهای متعدد واقع بر روی یک نمودار شاید صرفاً تعداد انگشت شماری از کندلها وجود داشته باشند که یک الگوی کندل استیک خاص را به نمایش بگذارند درحالیکه ما نیاز به سیگنالهای بسیار بیشتری جهت ورود و خروج به بازار داریم.

بر همین اساس به تدریج علم تحلیل تکنیکال از الگوهای کندل استیک خارج شده و به سمت نگاه جدیدتری بنام الگوها و پترنهای تکنیکال حرکت نمود. در مبحث الگوهای تکنیکال سعی میکنیم نگاه خود را به مجموعه ای حداقل شامل صد الی دویست کندل متوالی معطوف نماییم و به جستجوی اشکال و الگوهای هندسی بگردیم که به واسطه آنها امکان توجیه رفتار گذشته قیمت و پیش بینی آینده بازار برایمان وجود داشته باشد.

در شکل زیر مستطیل قرمز رنگ ، نگاه مبتنی بر الگوهای کندل استیک را نمایش میدهد و مستطیل آبی رنگ ، نگاه پترنی را با آن مقایسه میکند:



برخی از مهمترین الگوها و اشکال هندسی که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت عبارتند از : سطوح حمایت و مقاومت، خطوط روند و کانالهای صعودی و نزولی ، الگوهای دو قله و دو دره ، الگوهای سروشانه مستقیم و معکوس، الگوی مثلث و پرچم و غیره.

سطوح حمایت و مقاومت :

سطوحی هستند که در مقابل حرکت قیمت از خود ممانعت نشان می دهند. مثلا در تصویر زیر یک سطح مقاومت و حمایت را مشاهده می کنید.

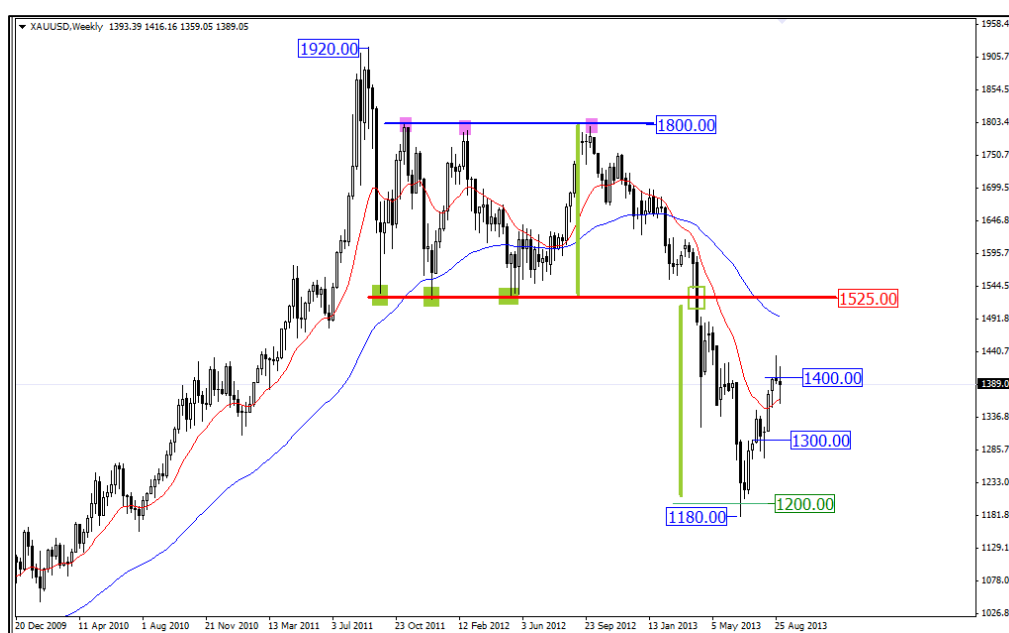
سطوح حمایت و مقاومت
Support & Resistance



در حرکت‌های صعودی به این سطوح اصطلاحاً سطح مقاومت گفته میشود و در حرکت‌های نزولی به آنها سطح حمایت میگوییم. در واقع هر سطح مقاومت به نوبه خودش یک سطح حمایت نیز هست و بالعکس. به همین دلیل اغلب این سطوح را بصورت سطوح حمایت/مقاومت میخوانیم که مبتنی بر هر دو خاصیت حمایتی و مقاومتی آنها است.

هنگامیکه قیمت به یک سطح حمایت/مقاومت برخورد می کند یا آنرا با قدرت میشکنند و پشت سرمیگذارد و یا اینکه از روی آن منعکس میگردد. در صورتیکه قیمت موفق به شکستن یک سطح حمایت/مقاومت گردد معمولاً حرکت بزرگ و قدرتمندی را در همان جهت ادامه خواهد داد. به همین دلیل اغلب معامله گران سعی میکنند معاملات خود را بلافاصله پس از شکسته شدن یک سطح مقاومت انجام بدهند. چنین نقاطی برای ورود به بازار یکی از بهترین نقاط خواهند بود.

بعنوان مثال در تصویر زیر نمودار قیمت جهانی طلا را مشاهده میکنید که سطح حمایت 1525 دلار را با قدرت شکسته است و همین امر باعث نزول شدید و حدوداً 300 دلاری بهای طلا شده است.



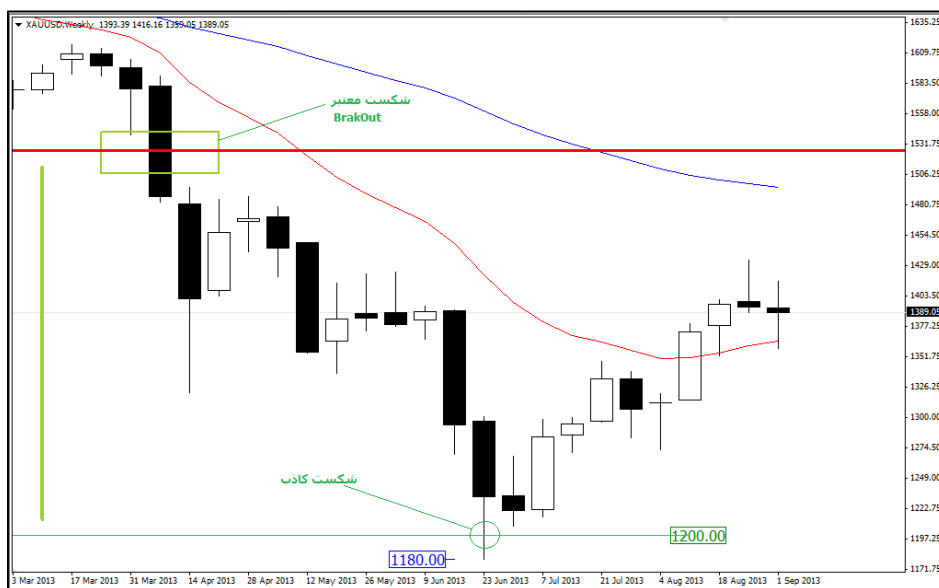
نکته : اعداد رُند معمولاً از خودشان خاصیت مقاومتی نشان میدهند. بعنوان مثال اعدادی مانند هزار تومان ، دوهزار تومان ، سه هزار تومان و غیره معمولاً تشکیل سطوح حمایت و مقاومت مهمی را میدهند. حتی اعدادی مانند 100 ، 200 ، 300 ، ... نیز میتوانند خاصیت مقاومتی داشته باشند.

قانون ریزش متقارن : وقتی که یک سطح حمایت شکسته میشود معمولاً قیمت به اندازه فاصله آخرین قله از نقطه شکست به نزول خودش ادامه خواهد داد.

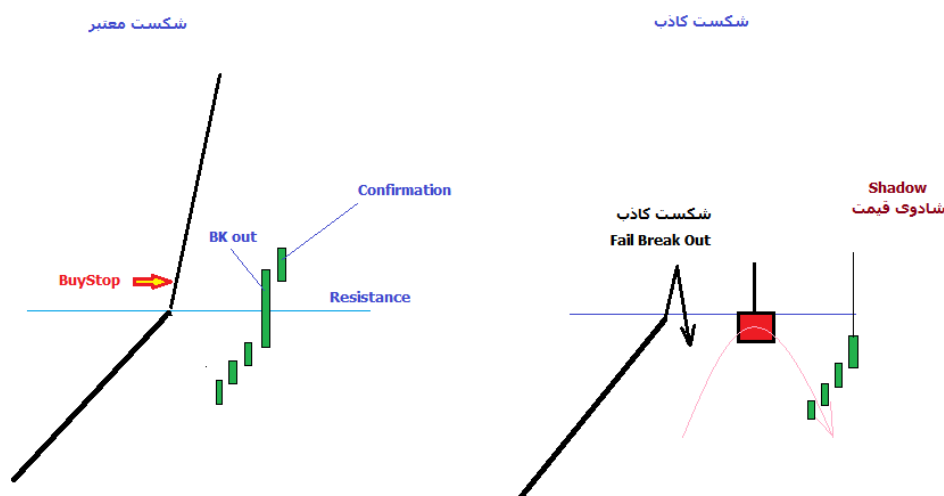
نکته : عکس قانون ریزش متقارن نیز در روند صعودی برای شکسته شدن سطوح مقاومت قابل تعریف است.

شکست کاذب و شکست معتبر :

در نمودار زیر ، قیمت در اواخر روند نزولی ظاهراً موفق به شکستن سطح حمایت 1200 شده است ولی این شکست کاذب بوده است زیرا صرفاً با یک شادوی بلند انجام شده است.



شکست های کاذب در اغلب مواقع موجب بازگشت روند (بصورت کوتاه مدت و یا بلندمدت) میگردند. در تصویر فوق نیز شکست کاذب در نقطه 1200 دلار موجب تغییر جهت روند نزولی و رشد مجدد قیمت طلا تا حوالی 1400 دلار شد.



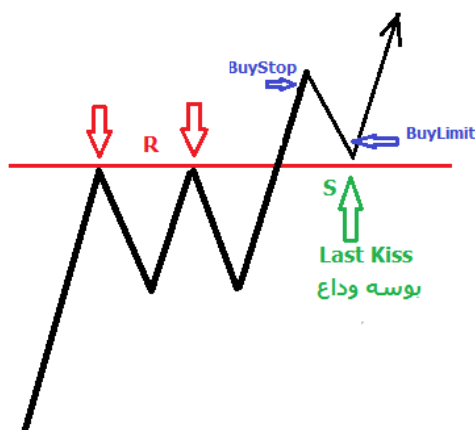
شرط لازم برای شکست معتبر :

- 1- سرعت حرکت قیمت پس از شکست معتبر به شدت زیاد میشود.
- 2- حجم معاملات در بازار افزایش میابد.
- 3- شکست معتبر با یک کندل بلند و کشیده از نوع ماروبوزو انجام می شود که به آن اصطلاحاً کندل *break out* میگویند.
- 4- در یک روند صعودی هنگام شکسته شدن یک سطح مقاومت باید حتما نقطه بسته شدن کندل در بالای سطح مقاومت قرار بگیرد. بعبارت بهتر شکست باید حتما با بدنه کندل انجام بشود (نه با شاخ و دم آن)
- 5- نه تنها کندل نخست بلکه حتی کندل بعدی نیز (که اصطلاحاً کندل *Confirmation* نامیده میشود) باید شکست را تایید کند. یعنی هم نقطه بسته شدن آن بالاتر از سطح مقاومت باشد هم رنگ بدنه آن مشابه کندل قبلی باشد.

تبدیل سطح مقاومت به سطح حمایت (و بالعکس) :

هنگامیکه یک سطح مقاومت شکسته میشود در بسیاری از مواقع مجددا شاهد بازگشت قیمت به سمت سطح مقاومت هستیم (که اصطلاحاً آنرا *Pull Back* مینامند) سپس قیمت برای لحظاتی کوتاه با سطح مقاومت تماس پیدا کرده و مجدداً به روند صعودی خود ادامه میدهد. به تماس مختصر و کوتاه مدت قیمت با سطح مقاومتی که قبلاً شکسته شده است اصطلاحاً بوسه وداع یا *Last Kiss* میگویند.

تبدیل سطح مقاومت به حمایت :

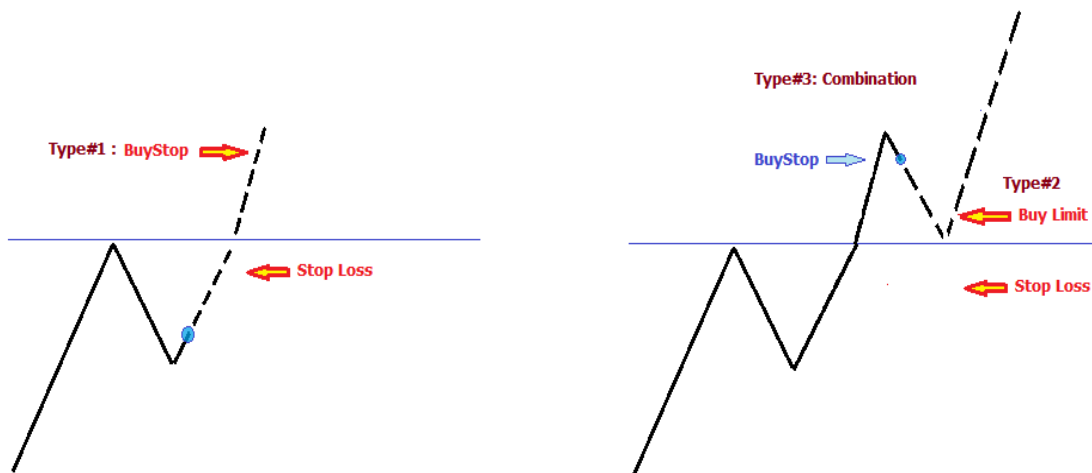


نکته : در یک شکست معتبر ، قیمت هرگز نباید مجدداً به زیر سطح مقاومت نزول نماید.

معامله گری بر روی سطوح مقاومت :

- وقتی قیمت به یک سطح مقاومت نزدیک می شود معمولاً معامله گران به دو گروه اصلی تقسیم می شوند :
- 1- گروه اول اقدام به ثبت یک سفارش خرید از نوع *Buy Stop* بالاتر از سطح مقاومت می کنند تا در صورت شکسته شدن آن بتوانند حرکت صعودی بعدی را به موقع شکار نمایند. نقطه مناسب برای ثبت سفارش خرید باید حدوداً به اندازه 3 الی 4 درصد بالاتر از سطح مقاومت باشد(یا در بازار فارکس به اندازه 10 الی 15 پیپ بالاتر از سطح مقاومت) تا از کاذب نبودن شکست مطمئن بشویم.

2- گروه دوم صبر میکنند تا ابتدا قیمت بطور کامل از سطح مقاومت عبور نموده و شکست سطح مقاومت کاملاً تأیید بشود. سپس با ثبت یک سفارش خرید از نوع *Buy Limit* در مجاورت همان سطح، منتظر میمانند تا در صورت وقوع بوسه وداع در قیمت‌های به مراتب ارزانتری اقدام به ورود به بازار نمایند. بدیهی است که این گروه ممکن است در حرکت‌های صعودی خیلی قوی، امکان ورود به بازار را کلاً از دست بدهند که این بزرگترین نقطه ضعف روش ایشان خواهد بود.



هر دو گروه معامله گران، حد ضرر خود را اندکی پایین تر از سطح مقاومت قرار میدهند زیرا میدانیم در یک شکست معتبر هرگز نباید قیمت مجدداً به زیر سطح مقاومت بازگشت نماید.

علیرغم اینکه حد ضرر هر دو گروه در نقطه یکسانی واقع است اما بدیهی است که اندازه ضرر گروه اول بیشتر از گروه دوم خواهد بود. همچنین اندازه سود کسب شده توسط گروه دوم نیز بیشتر از گروه اول میباشد. اما در عوض مزیت گروه اول نیز این است که در شکست‌های خیلی قدرتمند (که اصلاً بوسه وداع ندارند) علیرغم اینکه گروه دوم از بازار جا می ماند اما گروه اول به هر طریقی که هست وارد بازار میشود.

نتیجه: بنابراین هر یک از دو روش فوق دارای مزایا و معایب خاص به خودش میباشد و هیچ روش بطور کامل ارجح بر روش دیگر نمی باشد.

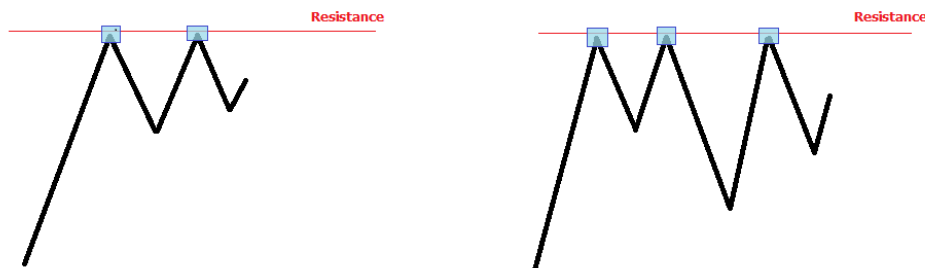
نکته: روش سوم این است که نیمی از سرمایه را به روش اول و نیمه دیگر را به روش دوم خریداری نماییم. به این حالت که ظاهراً بهترین روش در میان روش‌های فوق است، اصطلاحاً روش ترکیبی یا *Combination* گفته میشود.

یادآوری: انواع روش‌های معاملاتی در نرم افزارهای مفیدتریدر و متاتریدر:

- Instant Buy*: معامله خرید است که بصورت فوری و در آخرین قیمت بازار انجام بشود.
- Buy stop*: سفارش خریدی است که در قیمتی بالاتر از آخرین قیمت بازار ثبت بشود.
- Buy limit*: سفارش خریدی است که در قیمتی پایین تر از آخرین قیمت بازار ثبت بشود.

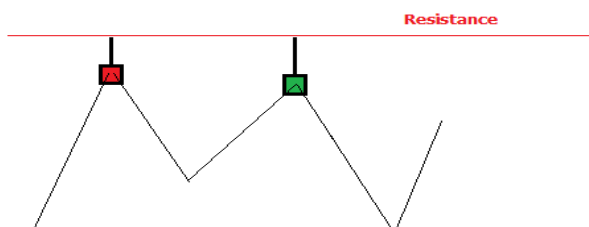
نکته: هر سطح حمایت/مقاومت باید حداقل از دو قله یا دره تشکیل شده باشد. اما بهرحال حتی یک قله یا دره نیز به نوبه خودش نشانگر یک سطح حمایت/مقاومت است.

نکته : هرچه تعداد قله ها و دره ها بر روی یک سطح حمایت/مقاومت بیشتر باشد میزان قدرت و اعتبار آن سطح نیز بیشتر خواهد بود.



نکته : هرچه یک سطح حمایت/مقاومت قوی تر باشد ، یا اصلا شکسته نمیشود، و یا اینکه اگر شکسته بشود موجب ایجاد حرکت قوی تر و بزرگتری خواهد شد.

نکته: سطوح حمایت/مقاومت که از قله ها و دره های نوک تیز تشکیل شده اند معتبرتر بوده و خاصیت مقاومتی قوی تری دارند.



نکته : هرچه سطوح حمایت/مقاومت در تایم فریم های بالاتری تشکیل شده باشند از اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود. بهمین دلیل معمولا مقاومت های بلندمدت مانند مقاومت های روزانه و هفتگی و ماهیانه از سطوح بسیار مهم در تحلیل یک نمودار محسوب میگردند.

فلسفه روانشناختی سطوح حمایت و مقاومت :

سطوح حمایت و مقاومت اغلب به دلیل حافظه معامله گران ایجاد میگردند. معامله گران که نسبت به رفتار پیشین قیمت دارای خاطره یکسانی هستند سعی میکنند با بروز رفتارهایی مشابه از تکرار مجدد خاطرات تلخ قبلی پیشگیری نمایند و همین عکس العمل جمعی منجر به ایجاد سطوح افقی بر روی نمودار میگردد که آنها را سطوح حمایت و مقاومت می نامیم. بعنوان مثال اگر قیمت یکبار به حد مشخصی رشد نموده و سپس در اثر وقوع یک رخداد یا خبر خاص بطور ناگهانی دچار ریزش بشود در آنصورت معامله گران سعی میکنند در دفعات بعدی به محض رسیدن قیمت به همان سطح، اقدام به فروش سهام خود نمایند

تا بدین طریق سود خود را حفظ نموده و از دچار شدن به نزول مجدد بازار خودداری نمایند. این واکنش جمعی موجب ایجاد دو قله همسطح می‌گردد که آنرا سطح مقاومت مینامیم.

بنابراین مهمترین دلیل تشکیل سطوح حمایت و مقاومت (وحتی سایر الگوهای تکنیکال) در واقع وجود حافظه جمعی در بین فعالان بازار میباشد که موجب انجام رفتارهایی مشابه و تقریباً یکسان توسط ایشان میگردد. هدف از این رفتارها این است که از تکرار مجدد خاطرات تلخ قبلی جلوگیری گشته و یا خاطرات خوش قبلی مجدداً تکرار بشوند.

سوال : چرا اعداد رند معمولاً خاصیت مقاومتی بیشتری دارند؟

جواب : زیرا اعداد رند معمولاً بهتر در حافظه انسان باقی میماند و همانطور که گفتیم علت وجود سطوح حمایت و مقاومت در واقع به دلیل همین حافظه جمعی معامله گران میباشد.

سوال : چرا مقاومت هایی که از تعداد زیادی قله/دره تشکیل شده باشند از اعتبار بیشتری برخوردارند؟

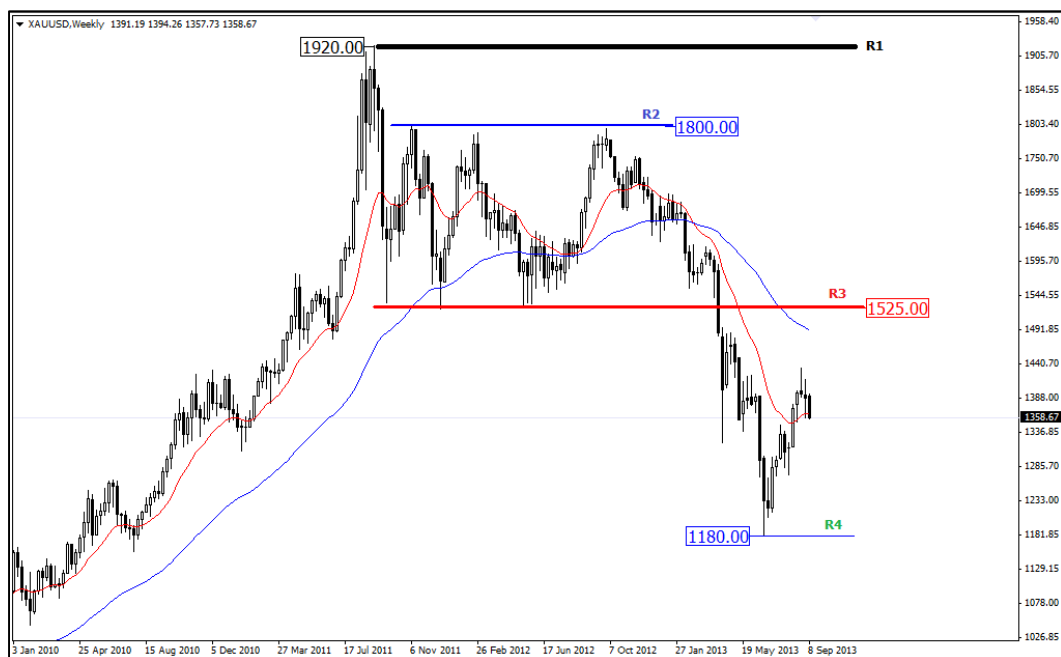
جواب : زیرا تعداد افرادی که دارای تجربه مشابهی نسبت به آن عدد مشخص هستند بیشتر می شود و این افراد در دفعات بعدی واکنش مشابهی را بر روی همان عدد مشخص از خود نشان میدهند.

سوال : چرا سطوح حمایت و مقاومت در تایم فریم های بلندمدت معتبرتر هستند؟

جواب : زیرا تعداد افرادی که دارای خاطره یکسانی نسبت به یک سطح مشخص قیمت هستند افزایش میابد. بطور کلی هرچه مدت زمان عمر یک سطح مقاومت بیشتر بشود میزان قدرت و اعتبار آن نیز افزایش خواهد یافت.

مثال : در تصویر زیر میزان قدرت کدامیک از سطوح حمایت/مقاومت واقع بر روی نمودار طلا به ترتیب بیشتر از سایرین است؟

پاسخ : باتوجه به مجموع نکاتی که گفته شد: مهمترین و قوی ترین سطح مقاومت **R1** میباشد. سپس مقاومت **R2** است. و سرانجام سطوح **R3** و **R4** هستند که در واقع سقف و کف فعلی قیمت را تشکیل میدهند. میزان قدرت **R2** بیشتر از **R3** است زیرا **R3** قبلاً یکبار شکسته شده است و سطوح مقاومت که یکبار شکسته میشوند به شدت از قدرت و اعتبارشان کاسته میگردد.



نکته: هنگامیکه یک سطح مقاومت یکبار شکسته میشود از میزان قدرت و اعتبار آن به شدت کاسته میگردد.

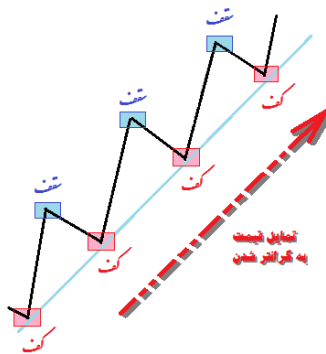
نکته: هنگامیکه یک سطح مقاومت حداقل دوبار شکسته میشود ، بطور کامل منقضی شده و اعتبار خود را کاملاً از دست میدهد.

انواع بازارهای Trend و Range :

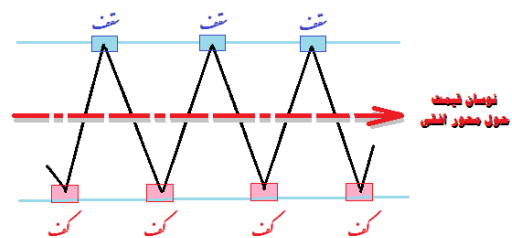
Trend Market: بازار **ترند** یا **جهت دار** به بازاری میگوییم که قیمتها دائما در حال افزایش یا کاهش باشند. بازار **ترند** میتواند صعودی ویا نزولی باشد. در بازار **ترند** و صعودی کلیه قله ها و دره ها حالت پلکانی و منظم پیدا میکنند و هر قله و دره به اندازه یک پله بالاتر از قبلی تشکیل میگردد. قیمت هر بار رکورد قبلی خودش را میشکند و رکورد بالاتری را ثبت مینماید. کف قیمت نیز در بازار صعودی دائما بالا و بالاتر میاید. هنگامیکه نهایتا آخرین کف به سمت پایین شکسته بشود میگوییم بازار از حالت صعودی خود خارج گشته است.

Range Market: بازار **رنج** دارای هیچ جهت صعودی یا نزولی خاص و مشخصی نیست و قیمت حول یک محور تقریبا افقی به حرکت نوسانی خود ادامه میدهد. در بازار **رنج** معمولا قیمت بین یک سطح حمایت و مقاومت محصور میگردد که آنها را اصطلاحا سقف و کف بازار **رنج** میگوییم. قله ها و دره ها نیز همگی در یک راستای افقی و تقریبا موازی بایکدیگر تشکیل میگرددند.

TREND MARKET
بازار رونده دار



RANGE MARKET
بازار نوسانی



آمار نشان میدهد که معمولا بازارها در 70 درصد عمر خودشان در شرایط رنج و نوسانی به سر میبرند و صرفا در 30 درصد مواقع در شرایط ترنددار صعودی یا نزولی قرار دارند. همچنین آمارهای رسمی بوضوح نشان میدهند که اغلب معامله گران در بازارهای ترند و جهت دار به راحتی موفق به کسب سود میشوند اما متاسفانه در بازارهای رنج تمامی سودهای قبلی خود را مجدداً از دست داده و حتی دچار ضرر و زیان هنگفت میگردند. این موضوع نشان میدهد که معامله گری در بازارهای رنج بسیار سخت تر از بازار ترند است و به پختگی و تجربه به مراتب بیشتری نیاز دارد.

روش معامله گری در بازار Range :

روش معامله گری در بازارهای رنج و ترند کاملا متفاوت با همدیگر است. فلسفه معامله گری در بازارهای رنج بر مبنای جمله معروف *Buy Low and Sell High* استوار است. یعنی باید ارزان بخریم و سپس گران بفروشیم. در بازارهای رنج باید سعی کنیم هنگامیکه قیمت در مجاورت کف بازار قرار دارد اقدام به خرید نماییم و سپس هنگامیکه قیمت در حوالی سقف بازار قرار دارد اقدام به فروش و تثبیت سود نماییم.

روش معامله گری در بازار Trend :

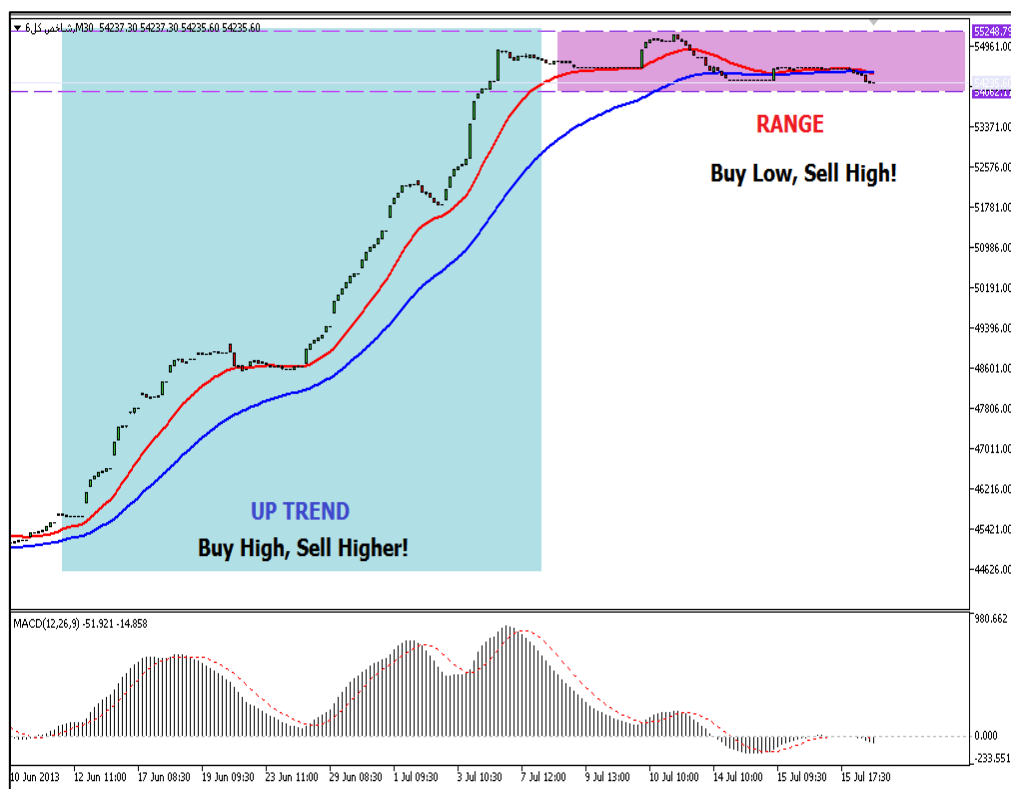
فلسفه معامله گری در بازار ترنددار نسبتا آسان و بصورت *Buy High and Sell Higher* است، یعنی باید گران بخریم و سپس گرانتر بفروشیم.

نکته : در بازار ترند باید تهاجمی عمل کرد. باید با امواج بازار همسو شد و به صف های خرید حمله برد. باید سهم را در صف خرید شکار کرد و نگران رشد قیمت نبود زیرا به زودی میتوانیم همان سهم را در قیمت های بالاتری به فروش برسانیم. اما در بازار رنج باید دقیقا برعکس امواج بازار شنا کنیم! باید مثل یک شرکت حقوقی عمل کنیم یعنی در بازار مثبت باید فروشنده

باشیم و در بازار منفی اقدام به خرید نماییم. معمولا شرکتهای حقوقی به همین شیوه عمل میکنند و به همین دلیل هم سودهای خوب و آسانی را از بازار بدست میآورند. معامله گری در بازار رنج به صبر و حوصله بیشتری احتیاج دارد.

نحوه تشخیص بازارهای رنج و ترند :

در تصویر زیر ناحیه آبی رنگ یک بازار ترند صعودی را نشان میدهد، ناحیه قرمز رنگ نیز یک بازار رنج و راکد را مشخص میکند:



برای تشخیص نوع بازار از روش PTM استفاده میکنیم. همانطور که قبلا گفتیم باید ابتدا دو عدد میانگین متحرک را با پریودهای 20 و 50 بر روی نمودار قرار دهیم. (در بازار فارکس باید سه عدد میانگین متحرک با پریودهای 15 و 30 و 60 استفاده کنید)

شرط لازم برای تشخیص بازار ترند صعودی :

- 1- شیب مووینگ آبی بصورت صعودی باشد.
- 2- مووینگ قرمز بالای مووینگ آبی قرار داشته باشد.
- 3- کندلهای قیمت بالای مووینگ قرمز واقع باشند.

شرط لازم برای تشخیص بازار رنج :

- 1- شیب مووینگ آبی تقریبا افقی باشد.
- 2- فاصله بین مووینگهای قرمز و آبی کاهش یافته و مووینگها دایما یکدیگر را قطع کنند.
- 3- مووینگها مانند قطعه نخهای درهم تنیده شده باشند.
- 4- قیمت دایما از بالا به پایین و از پایین به بالا ، مووینگ آبی را قطع کند.
- 5- قیمت بین یک سقف و کف مشخص نوسان نماید.

روش معامله گری در بازار رنج :

1- سقف و کف بازار را تشخیص داده و سعی میکنیم درمجاورت کف بازار اقدام به خرید کنیم و سپس درحوالی سقف بازار بفروشیم.

2- منتظر می مانیم تا اگر قیمت نهایتا سقف بازار را بسمت بالا بشکند و از درون محدوده رنج خارج بشود، درآنصورت اقدام به یک معامله خرید اندکی بالاتر از سقف بازار نماییم. در بازارهای دوطرفه میتوان پیشاپیش یک سفارش خرید از نوع *Buy Stop* اندکی بالاتر از سقف بازار و بطور همزمان یک سفارش فروش از نوع *Sell Stop* اندکی پایین تر از کف بازار ثبت نمود تا درصورت خروج قیمت به سمت بالا یا پایین ، معامله مربوطه بطور اتوماتیک فعال بشود.

تصویر زیر شکسته شدن محدوده رنج قیمت را توسط سهام فولاد خوزستان نمایش میدهد. قیمت پس از اینکه حدودا برای شش ماه متوالی در منطقه فشرده 2000-2500 محصور گشته بود سرانجام با شکسته شدن سقف این محدوده، صعود قدرتمندی را به سمت تارگت 3900 تومان آغاز مینماید:

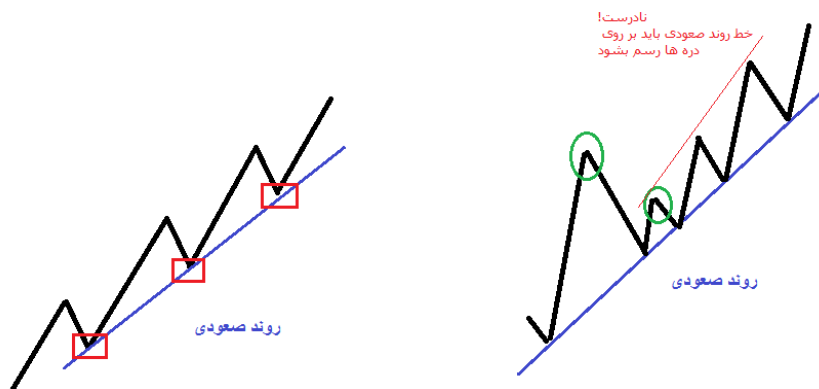


نکته : جهت حصول اطمینان از معتبر بودن شکستِ سقفِ محدودهٔ رنج، بهتر است فاصله نقطه ورود حداقل به اندازه 4 درصد بالاتر از سقف بازار انتخاب بشود. در بازار فارکس نیز میتوان از یک حاشیه امنیت حدودا 15 الی 20 پپی به این منظور استفاده کرد.

نکته : هنگامی که بازار برای مدت زمان نسبتا طولانی در شرایط رنج قرار داشته باشد، در صورتیکه نهایتا از یک سمت ناحیه رنج را بشکند معمولا حرکت بزرگ و قدرتمندی را در همان جهت آغاز خواهد نمود. بصورت یک قاعده چشمی میتوان حداکثر حرکت عمودی قیمت را تقریبا برابرا طول مدت رنج بودن بازار در نظر گرفت.

خط روند صعودی و نزولی :

گفتیم که در بازار صعودی مرتباً قله ها و دره ها بالا و بالاتر تشکیل میشوند. خط روند صعودی خطی است که دره های قیمت را در یک بازار صعودی به یکدیگر متصل میکند. اگرچه یک خط روند صعودی را میتوان بر روی دو دره متوالی نیز رسم نمود اما بهتر است خطوط روند حداقل از اتصال 3 دره متوالی و همراستا ترسیم بشوند.



نکته : در یک بازار صعودی حتماً باید هر دره به اندازه یک پله بالاتر از دره قبل قرار داشته باشد. اما الزامی به وجود چنین ترتیب پلکانی منظمی بر روی قله ها وجود ندارد. به همین دلیل خط روند صعودی حتماً باید بر روی دره ها رسم بشود و ترسیم خط روند صعودی بر روی قله های قیمت نادرست میباشد!

نکته : همانطور که در تصویر زیر مشاهده میکنید خط روند نزولی از اتصال قله های متوالی در یک بازار نزولی تشکیل میگردد، این خط در واقع مکان احتمالی تشکیل قله های بعدی را مشخص می نماید:



قله ها و دره های ماژور و مینور :

به قله ها و دره های اصلی بر روی یک نمودار که مسیر اصلی قیمت را مشخص میکنند اصطلاحاً قله ها و دره های اصلی یا **ماژور** گفته میشود. اگر به هریک از امواج بازار از فاصله نزدیکتر نگاه کنید مشاهده خواهید کرد که آنها نیز به نوبه خودشان از امواج کوچکتری تشکیل شده اند که آنها را اصطلاحاً ریزموج می نامیم. امواج اصلی بازار توسط قله ها و دره های اصلی و ریزموجها توسط قله ها و دره های **فرعی** یا **مینور** تشکیل میگرددند.

قله ها و دره های اصلی در واقع امواج بلندمدت بازار را تشکیل میدهند، درحالیکه قله ها و دره های فرعی صرفاً امواج کوتاه مدت و کم اهمیت را میسازند که تحلیلگر باید از آنها چشم پوشی نموده و عمده توجه خودش را صرفاً بر روی امواج اصلی معطوف نماید.

اگر به تایم فریمهای پایینتر مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که هر یک از ریزموجها نیز به نوبه خودش از ریزموجهای کوچکتری تشکیل میگردد و الی آخر. بنابراین قله ها و دره های اصلی و فرعی صرفا یک مفهوم نسبی هستند که وابسته به تایم فریم مورد مطالعه خواهند بود و بعنوان مثال قله ها و دره های اصلی در یک تایم فریم میتوانند معادل قله ها و دره های فرعی از تایم فریم بزرگتر باشند.

در تصویر زیر مسیر اصلی قیمت را که توسط قله ها و دره های مازور ایجاد شده است با رنگ قرمز نمایش داده ایم :

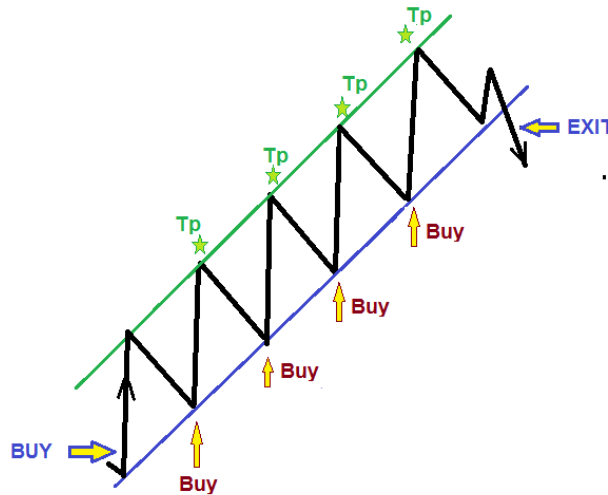


در تصویر فوق امواج آبی رنگ برخی از امواج فرعی را نشان میدهند. برای تشخیص قله ها و دره ها باید عمدتا به تجربه و تبحر چشمی خودتان متکی باشید اما فعلا که در آغاز راه هستید میتوانید از اندیکاتورهای *Zigzag* و *Fractal* کمک بگیرید. اندیکاتور **زیگزاگ** (*Zigzag*) از اندیکاتورهای استاندارد متاتریدر است و ابزار خوبی برای ترسیم مسیر اصلی قیمت میباشد. این اندیکاتور میتواند قله ها و دره های اصلی در یک نمودار را با دقت نسبتا خوبی برایتان مشخص نماید. اندیکاتور **فراکتال** (*Fractal*) نیز تمامی قله ها و دره ها را، اعم از اصلی و فرعی، برایتان مشخص میکند.



کانال های صعودی و نزولی :

یک کانال صعودی در واقع همان بازار صعودی است با این تفاوت که علاوه بر اینکه دره ها در یک راستای مشخص قرار دارند، همچنین قله ها نیز بر روی راستای مشخصی واقع اند که به موازات دره ها می باشد:



بزرگترین مزیت کانال صعودی نسبت به خط روند صعودی این است که در کانال صعودی از جایگاه احتمالی تشکیل قله ها بطور تقریبی مطلع هستیم. بنابراین میتوانیم هنگام نزدیک شدن قیمت به ضلع فوقانی کانال ، اقدام به فروش نموده و سود خود را تثبیت نماییم. سپس میتوانیم صبر کنیم تا به محض نزدیک شدن قیمت به کف کانال صعودی مجددا اقدام به خرید کرده و وارد بازار بشویم.

نکته : هنگامیکه قیمت در یک کانال صعودی قرار دارد، هر لحظه احتمال شکسته شدن سقف کانال وجود خواهد داشت. بنابراین در بازارهای دوطرفه هرگز نباید در مجاورت سقف کانال صعودی اقدام به معامله *Sell* نمود.

روش معامله گری بر روی کانال صعودی:

1- **روش بلندمدت:** می توان هنگام تشخیص کانال صعودی در هر نقطه دلخواهی (و ترجیحا نزدیک به کف کانال) وارد بازار شد و سپس آنقدر منتظر ماند تا نهایتا کف کانال به سمت پایین شکسته بشود.

2- **روش کوتاه مدت (نوسانگیری):** می توان در مجاورت کف کانال اقدام به خرید نمود و سپس به محض نزدیک شدن به سقف کانال اقدام به فروش و تثبیت سود نمود. سپس بازهم منتظر میمانیم تا هنگام بازگشت مجدد قیمت به سمت کف کانال ، معاملات بعدی را نیز به همان شیوه ادامه بدهیم.

قانون کانالها : هرگز نباید در یک کانال نزولی اقدام به معامله خرید نمود!

قانون کلی تحلیل تکنیکال: هرگز نباید هیچ معامله ای را برخلاف جهت روند بلند مدت بازار انجام داد!

منظور از روند بلند مدت، تایم فریمی است که به اندازه یک درجه بالاتر از تایم فریم جاری قرار داشته باشد. بعنوان مثال اگر در تایم فریم *DI* در حال انجام معاملات خود هستیم در آنصورت تایم فریم بلندمدت برای ما *WI* خواهد بود.

نکته : در کانالهای صعودی هنگامیکه کف کانال به سمت پایین شکسته میشود وارد فاز شک میشویم، اما هنگامیکه آخرین دره کامل به سمت پایین شکسته بشود از به پایان رسیدن روند صعودی بطور کامل مطمئن میشویم.

نکته : معمولا شکسته شدن یک خط روند یا کانال صعودی منجر به نزولی شدن روند بازار خواهد شد و بالعکس.

شکل زیر دو کانال صعودی مختلف را بر روی نمودار سهام توریل نمایش میدهد. یکی از این کانالها نهایتاً به سمت پایین شکسته شده است و دیگری به سمت بالا :

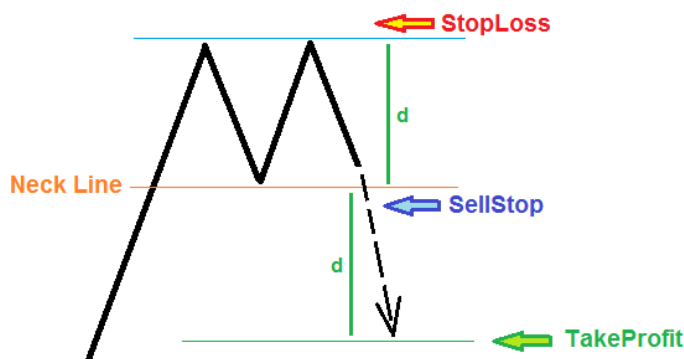


نکته : هنگام ترسیم خط روند و کانال نباید دچار وسواس بیش از حد بشوید! بلکه سعی کنید صرفاً خطوطی را رسم کنید که بیشترین تعداد قله ها و دره ها را بطور تقریبی شامل بشوند.

نکته : یادتان باشد که مهمترین هدف از ترسیم یک خط روند یا کانال در واقع بدست آوردن بدنه اصلی مسیر حرکت قیمت می باشد.

الگوی دو قله (Double Top) :

الگوی دو قله یک الگوی بازگشتی نزولی است یعنی در انتهای روند صعودی تشکیل شده و میتواند باعث نزولی شدن روند بشود. الگوی دو قله همانطور که از اسم آن مشخص است از دو قله متوالی، هم سطح و تقریباً هم اندازه تشکیل شده است که انتهای قله ها بر روی سطح قیمت مشابهی قرار داشته باشد. دره واقع بین قله ها **خط گردن** یا **Neck Line** را مشخص میکند. هنگامیکه قیمت خط گردن را به سمت پایین میشکند حداقل به اندازه فاصله قله ها تا خط گردن به نزول خودش به سمت پایین ادامه خواهد داد.



ریسک به ریوارد الگوی دو قله :
 $R.R. = TP/SL = d/d = 1$

$$R.R. = \frac{Tp}{SI}$$

حد سود
ریسک به ریوارد
حد ضرر

$R.R = 50\% = 1/2 = 0.5$

یعنی صرفاً یکبار مواجه با ضرر
به راحتی سود دو معامله قبلی
را از بین خواهد برد

TP= +100\$
SL= -200\$

$R.R = 200\% = 2/1$

یعنی صرفاً یکبار مواجه با سود
، به راحتی ضرر دو معامله
قبلی را بطور کامل خنثی خواهد
نمود!

TP= +100\$
SL= -50\$

یعنی نتیجه میگیریم که هرچه مقدار ریسک به ریوارد بزرگتر از 1 باشد ،
 $R.R. \geq 1$ میزان مرغوبیت معامله مربوطه بهتر خواهد بود.

روش معامله گری بر روی الگوی دو قله :

در بورس سهام ایران نمیتوان از الگوی دو قله برای ورود به بازار استفاده کرد، و صرفاً میتوان از آن بعنوان یک الگوی نزولی و بعنوان مثال برای خروج از بازار استفاده نمود. اما در بازارهای دوطرفه مانند فارکس می توان یک سفارش *Sell Stop* اندکی پایین تر از خط گردن ثبت نمود و حد سود آنرا به اندازه فاصله سر تا خط گردن انتخاب کرد. حد ضرر را نیز در بالای قله ها قرار میدهیم زیرا اگر قیمت سطح قله ها را به سمت بالا بشکند در آن صورت الگوی نزولی نقض خواهد شد و تبدیل به یک الگوی صعودی ادامه دهنده خواهد شد.

مفهوم ریسک به ریوارد (R.R) :

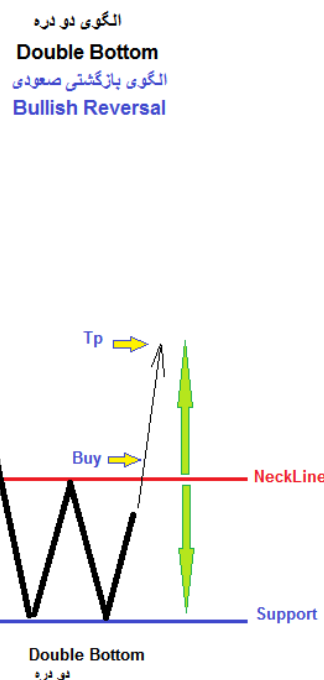
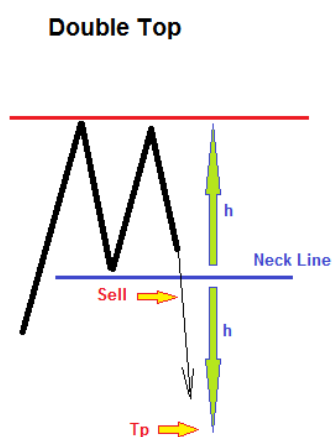
ریسک به ریوارد بصورت نسبت حدسود به حدضرر تعریف میشود و کمیتی است که میزان مرغوبیت یک موقعیت را برای معامله گری و کسب سود نشان میدهد. به زبان ساده تر: ریسک به ریوارد یعنی آیا به ازای کسب یک سود معین حاضر هستید بر روی چه میزان از سرمایه خودتان ریسک نمایید؟

یک معامله گر حرفه ای باید سعی کند صرفاً موقعیتهایی را برای معامله گری انتخاب کند که از ریسک به ریوارد معقولی برخوردار باشند. ریسک به ریوارد مطلوب برای یک موقعیت خاص باید قاعدتاً حداقل برابر با 1 باشد. در تصویر قبل میتوانید برخی توضیحات تکمیلی و محاسبات مربوط به *R.R* را مشاهده نمایید.

نکته : *R.R* برای الگوی دو قله برابر با 1 میباشد. بنابراین الگوی دو قله موقعیت نسبتاً متوسطی برای معامله گری میباشد.

الگوی دو دره (Double Bottom) :

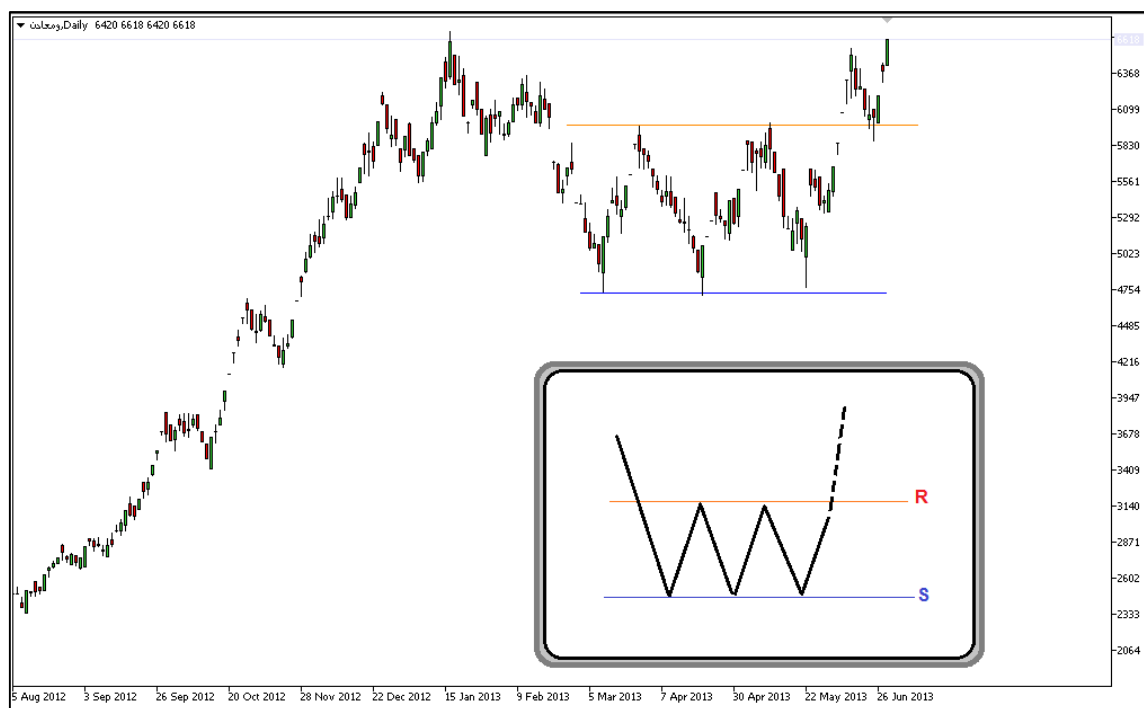
الگوی دودره یک الگوی بازگشتی صعودی است که در انتهای روند نزولی شکل میگیرد و باعث صعودی شدن نمودار میشود.



روش معامله گری بر روی الگوی دودره به این صورت است که یک سفارش خرید اندکی بالاتر از خط گردن قرار میدهیم. حدسود را به اندازه فاصله دره ها از خط گردن، و حدضرر را در زیر دره ها قرار میدهیم.

نکته : در برخی از مواقع ممکن است الگوی دو دره تبدیل به الگوی سه دره بشود که اشکالی ندارد و اعتبار الگو همچنان حفظ

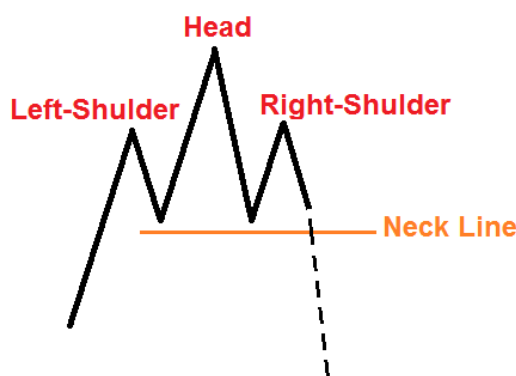
میشود:



الگوی سر و شانه مستقیم (Head and Shulder) :

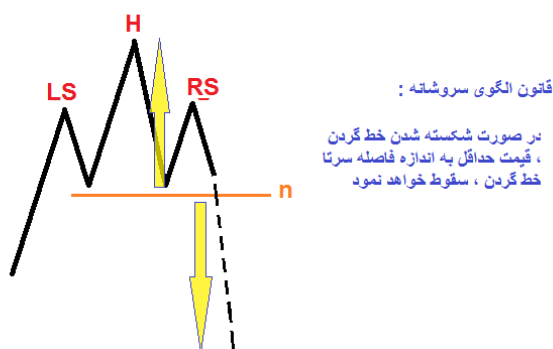
الگوی **سر و شانه** یک الگوی بازگشتی نزولی است که در انتهای روند صعودی تشکیل میشود و آنرا تبدیل به روند نزولی میکند. این الگو از سه قله متوالی تشکیل شده که اندازه قله وسط از همه بزرگتر و تقریباً دو الی سه برابر قله های کناری است. به قله میانی اصطلاحاً **سر** یا **Head** میگوییم ، و قله های طرفین را اصطلاحاً **شانه راست (Right-Shulder)** و **شانه چپ (Left-Shulder)** مینامیم. در الگوی سر و شانه باید شانه های چپ و راست بایکدیگر تقریباً هم اندازه و هم ارتفاع باشند. به خطی که انتهای دره ها را بهم وصل میکند **خط گردن** یا **Neck Line** گفته میشود. خط گردن باید یک خط تقریباً افقی و مسطح باشد. وجود شیب خیلی تند بر روی خط گردن موجب از بین رفتن اعتبار الگو خواهد شد.

الگوی سر و شانه
Head & Shulder
 الگوی بازگشتی نزولی
Bearish Reversal



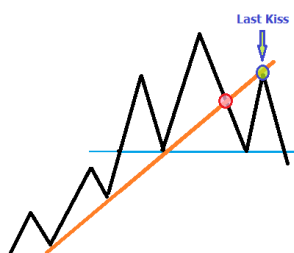
قانون الگوی سر و شانه :

در صورتیکه قیمت بتواند خط گردن را به سمت پایین بشکند روند صعودی تبدیل به نزولی خواهد شد. قیمت شروع به نزول به سمت پایین میکند و حداقل به اندازه فاصله سر تا خط گردن به نزول خودش ادامه خواهد داد :



نکته: باتوجه به اینکه اندازه سر به مراتب بزرگتر از اندازه شانه ها است بنابراین R.R در الگوی سر و شانه همواره بزرگتر از یک میشود. پس الگوی سر و شانه موقعیت نسبتا خوبی برای معامله گری میباشد و به همین دلیل نیز اغلب مورد علاقه معامله گران قرار دارد.

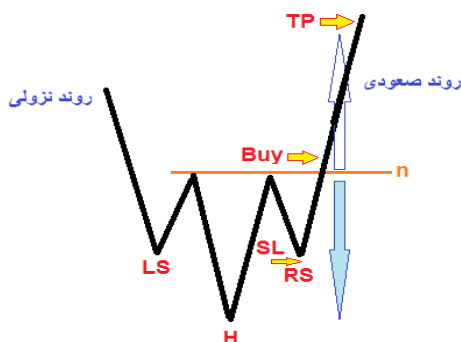
نکته: در برخی از مواقع ممکن است الگوی سر و شانه به دلیل شکسته شدن خط روند صعودی و سپس بوسه وداع بین شانه راست و خط روند ، ایجاد شده باشد:



الگوی سر و شانه معکوس (Reverse Head & Shoulder) :

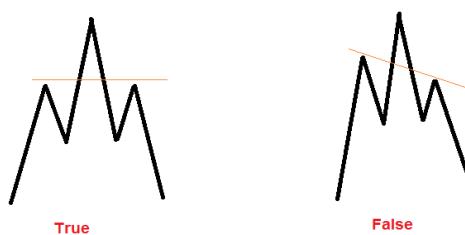
الگوی سر و شانه معکوس یک الگوی بازگشتی صعودی است یعنی در انتهای روند نزولی تشکیل میگردد و باعث صعودی شدن روند میگردد. این الگو از سه دره متوالی تشکیل شده است که اندازه دره وسط از سایر دره ها بزرگتر است. به دره میانی اصطلاحا سر میگوییم و دره های کناری شانه راست و شانه چپ نامیده میشوند.

الگوی سر و شانه معکوس
الگوی بازگشتی صعودی
Bullish Reversal

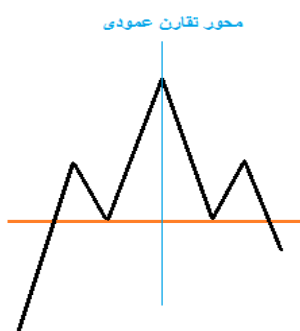


قانون الگوی سروشانه معکوس : هنگامیکه قیمت خط گردن را به سمت بالا می‌شکند، روند نزولی تبدیل به صعودی گشته و قیمت حداقل به اندازه فاصله سر تا خط گردن به صعود خودش ادامه خواهد داد. در صورت مشاهده الگوی سروشانه معکوس می‌توانیم یک سفارش خرید از نوع *Buy Stop* اندکی بالاتر از خط گردن ثبت نماییم. حد ضرر این معامله را باید زیر شانه راست قرار دهیم و حد سود آنرا نیز هم اندازه با فاصله بین سر تا خط گردن انتخاب کنیم. هنگام شکسته شدن خط گردن معمولاً حجم معاملات در بازار به شدت افزایش می‌یابد که این می‌تواند نشانه خوبی برای اطمینان از معتبر بودن الگو باشد.

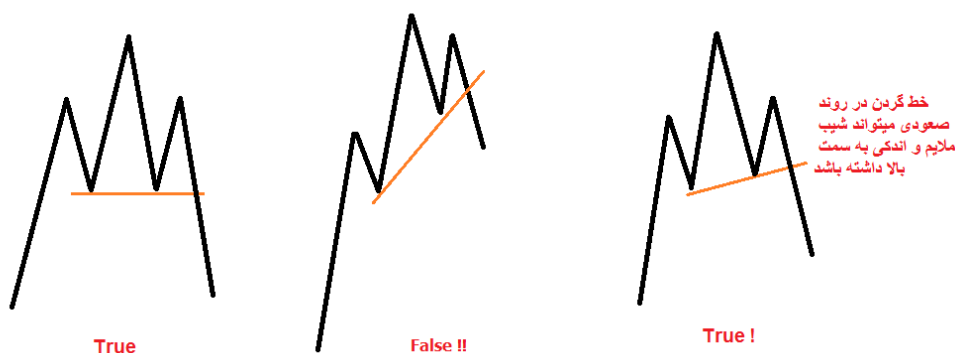
نکته : در الگوی سروشانه باید اندازه شانه‌های چپ و راست بایکدیگر مساوی باشد. به عبارت دیگر خطی که انتهای شانه‌ها را بهم وصل میکند باید یک خط افقی و مسطح باشد:



نکته : الگوی سروشانه باید دارای تقارن عمودی باشد، و محور تقارن از وسط «سر» عبور کند. به عبارت بهتر مدت زمان تشکیل شانه‌های چپ و راست باید با یکدیگر تقریباً برابر باشد.

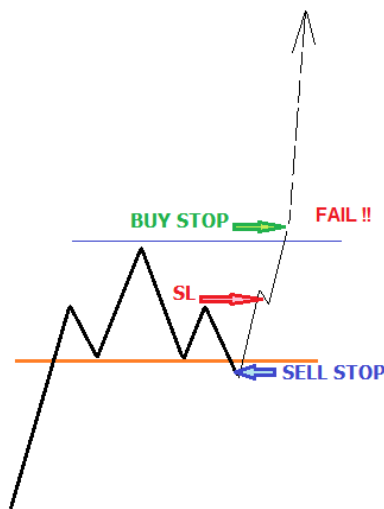


نکته : اگرچه شیب خط گردن معمولاً بصورت افقی است اما در روندهای صعودی بهنگام تشکیل الگوی سروشانه مستقیم خط گردن میتواند شیب بسیار ملایم و اندکی به سمت بالا داشته باشد. همچنین در روندهای نزولی نیز، بهنگام تشکیل الگوی سروشانه معکوس، خط گردن میتواند شیب ملایم و اندکی به سمت پایین داشته باشد:



نکته : اگر مدت زمان تشکیل شانه راست بیش از حد طولانی بشود بازار به حالت رنج فرو می رود و الگوی سروشانه بطور کامل منقضی میگردد.

نکته : اگر پس از شکسته شدن خط گردن ، شاهد صعود مجدد قیمت و عبور آن از کنار سر باشیم در آنصورت الگوی سروشانه بطور کامل نقض (*Fail*) خواهد شد و تبدیل به یک الگوی صعودی بسیار قدرتمند میشود. به عبارت دیگر الگوی سروشانه در حالت استاندارد یک الگوی *بازگشتی نزولی* است، اما در صورتیکه این الگو *Fail* بشود تبدیل به یک الگوی *صعودی* و *ادامه دهنده روند* خواهد شد. قدرت صعودی این الگو به حدی است که حتی میتوان از آن برای انجام یک معامله خرید اندکی بالاتر از نقطه انتهای سر استفاده کرد :

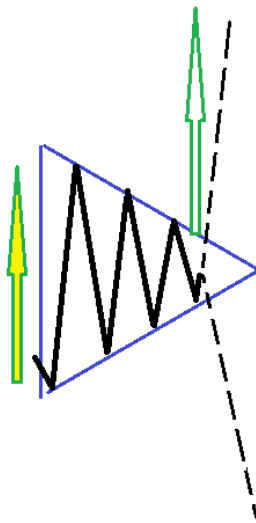


الگوی مثلث متقارن (Triangle) :

الگوی مثلث از محصور شدن قیمت بین دو خط همگرا تشکیل میگردد. الگوی مثلث متقارن یک الگوی دوطرفه است یعنی هم میتواند نقش یک الگوی بازگشتی را ایفا نماید و هم میتواند یک الگوی ادامه دهنده باشد. برای ترسیم الگوی مثلث باید حداقل دو قله متوالی و دو دره متوالی در اختیار داشته باشیم و از اتصال آنها به دو خط مورب و متقاطع برسیم. الگوی مثلث معمولا در بازارهای رنج و نوسانی و هنگامیکه بازار در فاز تثبیت قیمت قرار داشته باشد، ایجاد میگردد.

قانون الگوی مثلث متقارن : الگوی مثلث میتواند به سمت بالا یا پایین شکسته بشود و از هر طرف که شکسته بشود در همان جهت حرکت نسبتا بزرگی را آغاز خواهد نمود که اندازه آن حداقل برابر با اندازه ارتفاع قاعده عمودی مثلث میباشد.

الگوی مثلث متقارن



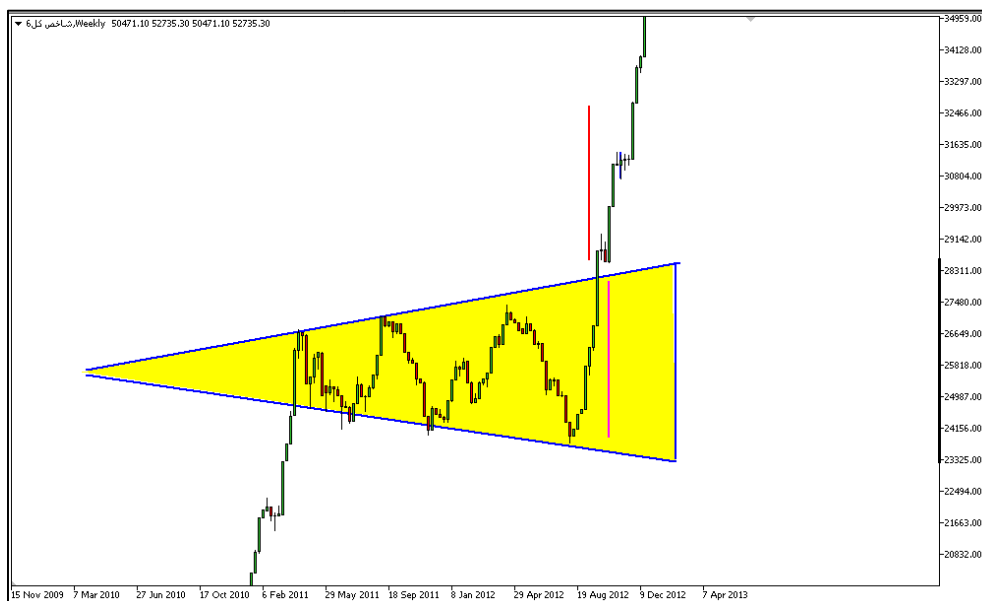
در تصویر زیر تشکیل الگوی مثلث را بر روی نمودار سهام وپترو مشاهده میکنید. همانطور که ملاحظه میکنید شکسته شدن الگو باعث رشد 55 تومانی قیمت شده است :



الگوی مثلث افزایشی :

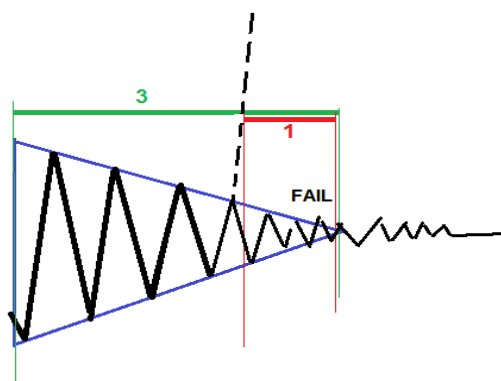
حالت خاصی از الگوی مثلث است با این تفاوت که اضلاع آن بجای آنکه همگرا باشند بصورت واگرا تشکیل میشوند. این الگو معمولا وجود هیجان و التهاب شدید در بازار را نشان میدهد و به همین دلیل نیز حرکت قیمت پس از شکسته شدن مثلث معمولا به مراتب شدیدتر خواهد بود.

تصویر زیر تشکیل الگوی مثلث افزایشی را بر روی نمودار شاخص کل بورس ایران نمایش میدهد :



منقضی شدن الگوی مثلث :

در صورتیکه شکسته شدن الگوی مثلث بیش از حد به درازا بکشد ، و قیمت وارد محدوده یک سوم پایانی مثلث بشود، در آنصورت بازار به تدریج حساسیت خودش را نسبت به این الگو از دست میدهد و الگوی مثلث بطور کامل منقضی و بی اعتبار میشود. بنابراین نقطه شکست یک مثلث باید همواره در محدوده 2/3 ابتدایی آن قرار داشته باشد. منقضی شدن الگوی مثلث اغلب منجر به ایجاد یک بازار رنج و راکد خواهد شد.



روش معامله گری بر روی الگوی مثلث :

یک سفارش *Buy Stop* در بالای آخرین قله و بطور همزمان یک سفارش *Sell Stop* در زیر آخرین دره ثبت میکنیم. سپس منتظر میمانیم تا اگر هریک از دو معامله فوق فعال بشود بلافاصله معامله دیگر را کنسل می نماییم. حد ضرر هر معامله را در حوالی نقطه وسط مثلث قرار میدهم زیرا اگر مثلث شکسته بشود قیمت نباید مجدداً به درون بدنه مثلث فرو برود. برای حدسود نیز از اندازه ارتفاع عمودی قاعده مثلث استفاده می کنیم.

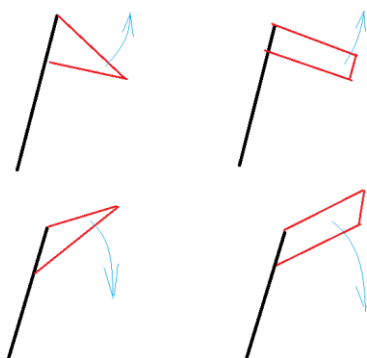
الگوی پرچم (Flag) :

الگوی پرچم از یک بخش مثلثی و از یک میله بلند تشکیل میشود. اندازه میله پرچم حدوداً دو الی سه برابر اندازه مثلث میباشد. الگوی پرچم اغلب بصورت یک الگوی ادامه دهنده ایفای نقش میکند، بعنوان مثال در یک روند صعودی، الگوی پرچم در میانه روند ظاهر گشته و نهایتاً به سمت بالا شکسته میشود. در تصویر زیر تشکیل الگوی پرچم را بر روی سهام وسپه مشاهده میکنید:

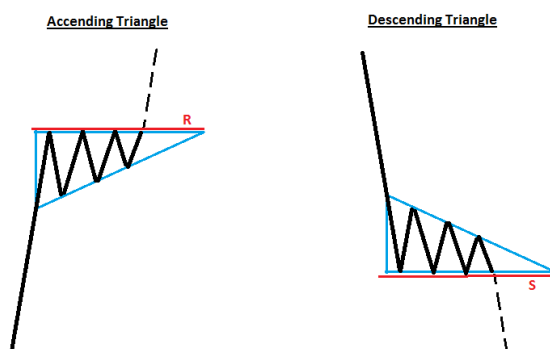


نکته : قسمت مثلثی شکل پرچم میتواند در برخی از مواقع تبدیل به یک مستطیل یا متوازی الاضلاع بشود. بهر حال نکته مهم این است که الگوی پرچم در واقع آغاز فاز تثبیت قیمت را پس از یک جهش قدرتمند نمایش میدهد.

نکته : در اغلب منابع تکنیکال از الگوی پرچم صرفاً بعنوان یک الگوی ادامه دهنده نام برده میشود، اما تجربه نشان میدهد که الگوی پرچم در برخی از مواقع میتواند نقش یک الگوی بازگشتی را نیز ایفا نماید. به نظر میرسد که اگر شیب قسمت مثلثی یا مستطیلی پرچم به سمت بالا باشد، نهایتاً احتمال شکسته شدن پرچم به سمت پایین بیشتر خواهد بود. بعبارت بهتر معمولاً الگوی پرچم برخلاف جهت شیب قسمت مثلثی یا مستطیلی خودش شکسته میشود.

**الگوی مثلث صعودی (Ascending Triangle) و مثلث نزولی (Descending Triangle) :**

الگوهای مثلث صعودی و نزولی مشابه همان الگوی مثلث هستند با این تفاوت که یکی از اضلاع آنها بصورت کاملاً افقی تشکیل میگردد. این دو الگو معمولاً هنگامی ایجاد میشوند که قیمت در میانه یک روند با سطح حمایت یا مقاومت مستحکمی برخورد نماید. به عبارت بهتر بخش مسطح این مثلثها نمایش دهنده اصابت با همان سطح حمایت/مقاومت میباشد. الگوهای مثلث صعودی و نزولی صرفاً بعنوان الگوهای ادامه دهنده ایفای نقش میکنند.



پایان بخش مقدماتی